



## سرمایه اجتماعی در خط مقدم؛

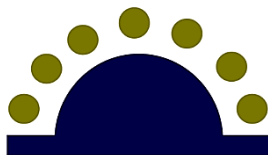
اعتماد عمومی و تاب آوری نظام حکمرانی ایران در مواجهه با تهدیدات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## سرمایه اجتماعی در خط مقدم؛

اعتماد عمومی و تاب آوری نظام حکمرانی ایران در مواجهه با تهدیدات



اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور

## شناسنامه گزارش:

عنوان: سرمایه اجتماعی در خط مقدم؛ اعتماد عمومی و تاب آوری نظام حکمرانی ایران در مواجهه با تهدیدات

گروه: مطالعات راهبردی و آینده پژوهی

ویراستار: فاطمه فدایی

تاریخ انتشار: اسفند ۱۴۰۴

نوبت چاپ: اول

شماره مسلسل: ۱۴۰۴۱۲۱۶۴

تیراژ: ۵۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰ هزار تومان

روابط عمومی: ۰۹۹۰۰۲۵۷۹۲۴

پایگاه اطلاع رسانی: [www.andishkademasaal.ir](http://www.andishkademasaal.ir)

ایمیل: [info@andishkademasaal.ir](mailto:info@andishkademasaal.ir)

تمامی حقوق این اثر متعلق به اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور است و هرگونه بهره برداری از مطالب آن صرفاً با کسب اجازه کتبی مجاز خواهد بود.

## معرفی اندیشکده:

اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور با هدف اثربخشی برای شناخت، تبیین و حل مسائل کلان حکمرانی کشور و به منظور شناسایی و اولویت بخشی به احصاء ظرفیت‌ها و حل موانع پیش‌روی آینده کشور و اصلاح ساختار نظام تصمیم‌گیری و حکمرانی با تکیه بر ظرفیت جامعه علمی و پژوهشی کشور در سال ۱۴۰۱ تشکیل شده است.

انجام تحقیقات علمی و کاربردی در خصوص نظام مسائل حکمرانی و اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری و اداری کشور و ارایه راهکارهای اجرایی و علمی به مسئولان اجرایی در کشور، احصاء ظرفیت‌های مغفول مانده کشور در گام اول انقلاب و تهیه پیوست‌های علمی جهت فعال نمودن آن‌ها در گام دوم انقلاب و همچنین حمایت و بهره‌مندی از تولیدات و خلق پژوهش‌های کاربردی در راستای مسائل کلان حکمرانی کشور و تشکیل هسته‌های علمی، نشست‌ها و میزهای تخصصی در راستای حل مسائل حکمرانی و ابرچالش‌های ملی و همچنین چاپ و انتشار دستاوردهای تولیدی اندیشکده در قالب گزارشات سیاستی، پژوهشی، ارزیابی و کتاب از جمله اهداف اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور می‌باشد.

# فهرست مطالب

|                                                                         |    |
|-------------------------------------------------------------------------|----|
| مقدمه:                                                                  | ۱  |
| بخش اول: چارچوب مفهومی؛ سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و تاب‌آوری.....    | ۳  |
| بخش دوم: بخش دوم: وضعیت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در ایران.....     | ۱۵ |
| بخش سوم: اعتماد عمومی به عنوان موتور محرکه تاب‌آوری در مواجهه با        |    |
| تهدیدات.....                                                            | ۲۷ |
| بخش چهارم: چالش‌ها و موانع تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در       |    |
| ایران.....                                                              | ۳۷ |
| بخش پنجم: راهبردها و پیشنهادات عملیاتی برای تقویت اعتماد عمومی و سرمایه |    |
| اجتماعی.....                                                            | ۴۳ |
| نتیجه‌گیری:                                                             | ۴۹ |

## مقدمه:

در جهانی که پیچیدگی‌ها و تهدیدات امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به طور مداوم در حال دگرگونی و افزایش هستند، حفظ ثبات و امنیت ملی و تضمین پایداری نظام حکمرانی، به یکی از چالش‌های اساسی دولت‌ها تبدیل شده است. در این میان، «سرمایه اجتماعی» و به طور خاص «اعتماد عمومی»، به عنوان یکی از کارآمدترین و استراتژیک‌ترین ابزارها برای مقابله با این تهدیدات و تقویت «تاب‌آوری» نظام در برابر بحران‌ها، اهمیتی دوچندان یافته‌اند. این گزارش با عنوان **«سرمایه اجتماعی در خط مقدم: اعتماد عمومی و تاب‌آوری نظام حکمرانی ایران در مواجهه با تهدیدات»** به بررسی عمیق این رابطه حیاتی می‌پردازد.

مفهوم «خط مقدم» در این گزارش، فراتر از مرزهای جغرافیایی و تهدیدات نظامی صرف است. منظور از «خط مقدم»، تمامی عرصه‌هایی است که جامعه و حکومت در آن‌ها به طور مستقیم با چالش‌ها و فشارهای ناشی از انواع تهدیدات (داخلی و خارجی) درگیر هستند؛ این عرصه‌ها شامل جبهه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و اطلاعاتی نیز می‌شود. در واقع، مقاومت و تاب‌آوری در برابر این تهدیدات، بیش از آنکه به توانمندی‌های سخت‌افزاری وابسته باشد، به سرمایه نرم‌افزاری جامعه، یعنی اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی، گره خورده است.

مسئله اصلی این تحقیق به این پرسش کلیدی می‌پردازد که **«چگونه اعتماد عمومی به عنوان بخش کلیدی سرمایه اجتماعی، بر تاب‌آوری نظام حکمرانی ایران در برابر انواع تهدیدات (داخلی و خارجی) اثر می‌گذارد»** برای پاسخ به این سوال، اهداف زیر دنبال می‌شوند:

۱. شناسایی مؤلفه‌های کلیدی اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی که به طور مستقیم با افزایش تاب‌آوری نظام حکمرانی در برابر تهدیدات مرتبط هستند.

۲. تحلیل وضعیت موجود اعتماد عمومی در ایران با توجه به روندهای تاریخی، اجتماعی و سیاسی.

۳. بررسی دقیق مکانیسم‌ها و سازوکارهای تأثیرگذاری اعتماد عمومی بر ابعاد مختلف تاب‌آوری حکمرانی (مانند انسجام اجتماعی، مشروعیت، مشارکت و کارآمدی).

۴. ارائه راهکارها و پیشنهادات عملیاتی به منظور تقویت این سرمایه استراتژیک در جامعه ایران. اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق، با توجه به شرایط پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی، افزایش تنش‌ها، جنگ‌های نیابتی، تحریم‌های اقتصادی و جنگ‌های ترکیبی (هیبریدی)، بیش از پیش نمایان می‌شود. در چنین شرایطی، توانمندی نظام حکمرانی برای حفظ ثبات، انسجام و مقاومت در برابر فشارهای خارجی و داخلی، مستلزم اتکا به سرمایه‌های اجتماعی و اعتمادی است که بین مردم و حاکمیت وجود دارد.

این گزارش در پنج بخش تنظیم شده است: بخش اول به چارچوب مفهومی تحقیق شامل تعاریف سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و تاب‌آوری می‌پردازد. بخش دوم وضعیت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش سوم به نقش اعتماد عمومی در تاب‌آوری حکمرانی در مواجهه با تهدیدات می‌پردازد. بخش چهارم چالش‌ها و موانع موجود را شناسایی می‌کند و در نهایت، بخش پنجم به ارائه راهبردها و پیشنهادات عملیاتی اختصاص دارد. بخش ششم نیز به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث خواهد پرداخت.

**بخش اول:**

**چارچوب مفهومی؛ سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و تاب آوری**

## ۱.۱. مفهوم سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی، به عنوان یک مفهوم محوری در علوم اجتماعی مدرن، به منابع انباشته‌ای اشاره دارد که افراد یا گروه‌ها از طریق شبکه‌های روابط، تعهدات متقابل و هنجارهای مشترک به دست می‌آورند و از آن برای دستیابی به اهدافشان بهره می‌برند، این سرمایه، نه در مالکیت فردی، بلکه در ساختار روابط ریشه دارد و بر خلاف سرمایه‌های ملموس، ماهیتی غیررقابتی و افزایشی دارد؛ یعنی استفاده از آن توسط یک فرد، منابع را برای دیگران کاهش نمی‌دهد، بلکه می‌تواند آن را تقویت کند.

### ۱.۱.۱. تعاریف، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی:

برای تحلیل دقیق سرمایه اجتماعی، ضروری است که آن را به سه بُعد تحلیلی مجزا تقسیم کنیم که به صورت پویا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، نخست، بُعد شبکه و ساختار<sup>۱</sup> است که به وجود و تراکم روابط میان کنشگران اشاره دارد. شبکه‌ها مکانیسم‌های اصلی انتقال منابعی چون اطلاعات، حمایت و نفوذ هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که کارکرد این شبکه‌ها به نوع پیوند بستگی دارد؛ سرمایه پیوندی<sup>۲</sup>، که ایجاد پیوند قوی میان افراد مشابه و همگن (مانند خانواده یا گروه‌های قومی) را شامل می‌شود، عموماً به حمایت‌های داخلی و عاطفی قوی منجر می‌گردد، در مقابل، سرمایه پلی<sup>۳</sup> با ایجاد ارتباط میان افراد و گروه‌های ناهمگن و متمایز، برای دسترسی به فرصت‌های جدید و نوآوری حیاتی است.

دوم، بُعد هنجارها و تعاملات است که شامل قواعد و انتظارات نانوشته‌ای می‌شود که بر رفتار در شبکه‌ها حاکم است. هنجارهایی مانند روحیه همکاری، انصاف، و انتظار متقابل نقش تنظیم‌کننده دارند. در غیاب این هنجارها، شبکه‌ها کارایی خود را از دست داده و نیازمند نظارت‌های پرهزینه خارجی خواهند بود.

سوم، بُعد اعتماد و باورهای ذهنی به سطح اعتماد در جامعه اشاره دارد. اعتماد، سنگ‌بنای هر تعامل اجتماعی کارآمد است و شامل دو سطح اصلی می‌شود: اعتماد بین فردی، که اعتماد به

<sup>۱</sup> Structural Dimension

<sup>۲</sup> Bonding

<sup>۳</sup> Bridging

افراد شناخته شده در شبکه‌های نزدیک است؛ و اعتماد عمومی، که اعتماد به افراد ناشناس و به طور خاص، اعتماد به نهادها و مقامات حکومتی را در بر می‌گیرد. این سطح از اعتماد، همان «اعتماد عمومی» است که مستقیماً با مشروعیت و کارآمدی حکمرانی در ارتباط بوده و محور اصلی فصل‌های بعدی گزارش را تشکیل خواهد داد.

### ۱.۱.۲. اهمیت سرمایه اجتماعی برای انسجام و کارآمدی جامعه و حکومت:

سرمایه اجتماعی، که به درستی «روغن چرخ‌دنده‌های جامعه» نامیده می‌شود، نقشی حیاتی در پویایی و عملکرد بهینه جوامع و نظام‌های حکمرانی ایفا می‌کند. اهمیت این سرمایه در سه حوزه اصلی و به هم پیوسته قابل تبیین است، و بررسی عمیق‌تر این حوزه‌ها، درک ما را از تأثیرات بنیادین سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری یک نظام، ژرف‌تر می‌سازد.

**نخست،** نقش بنیادین سرمایه اجتماعی در تقویت انسجام اجتماعی نمایان می‌شود. این انسجام صرفاً به معنای وجود روابط است؛ بلکه به کیفیت این روابط و میزان اعتماد و تعهد متقابل در آن‌ها بازمی‌گردد. شبکه‌های اجتماعی مستحکم، چه در سطح خانواده و چه در گروه‌های اجتماعی گسترده‌تر، و همچنین هنجارهای مشترک که ارزش‌های بنیادین جامعه را بازتاب می‌دهند، حس تعلق و هویت جمعی را در میان شهروندان تقویت می‌کنند. این همبستگی متقابل، به نوبه خود، مانند یک سپر دفاعی عمل کرده و منجر به کاهش قابل توجه ناهنجاری‌های اجتماعی، افت در نرخ جرایم و خشونت، و در نهایت، ایجاد محیطی امن‌تر، باثبات‌تر و مطلوب‌تر برای زیست جمعی و توسعه پایدار می‌گردد. در جوامعی که سرمایه اجتماعی بالاست، احساس مسئولیت جمعی نسبت به رفاه همسایگان و جامعه، جایگزین منفعت‌طلبی صرف می‌شود.

**دوم،** سرمایه اجتماعی تأثیر چشمگیری بر کارآمدی اقتصادی و اداری دارد. این تأثیر فراتر از صرف کاهش هزینه‌هاست؛ بلکه به تسهیل فرآیندها و افزایش بهره‌وری در تمام سطوح منجر می‌شود. سطوح بالای اعتماد در جامعه، که محصول شبکه‌ها و هنجارهای قوی است، هزینه‌های مبادله را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد. این کاهش شامل هزینه‌های مربوط به نظارت بر اجرای دقیق قراردادها، انجام مذاکرات پیچیده و زمان‌بر، و حتی فرآیندهای اداری و بوروکراتیک است. زمانی که افراد و نهادها به یکدیگر و به قوانین اعتماد دارند، نیازی به صرف

منابع هنگفت برای اطمینان از انجام تعهدات نیست. در حوزه حکمرانی، این امر به معنای تسهیل در اجرای سیاست‌ها، افزایش سرعت و دقت در تصمیم‌گیری‌ها، کاهش موانع اداری و در نهایت، کاهش چشمگیر بروز فساد اداری است. اعتماد متقابل، اعتماد به فرآیندها و اعتماد به حاکمان، بستر لازم برای همکاری مؤثر میان دولت و شهروندان را فراهم می‌آورد.

**سوم،** و شاید مهم‌تر از همه، سرمایه اجتماعی نقشی کلیدی و استراتژیک در بهبود کیفیت حکمرانی و ارتقاء تاب‌آوری نظام ایفا می‌کند. این ابعاد، به ویژه در دوران بحران‌ها و چالش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر، اهمیت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد. دولت‌ها و نهادهایی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند، در مواجهه با بحران‌ها (خواه اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، یا بهداشتی مانند همه‌گیری‌ها)، توانایی و ظرفیت بسیار بیشتری برای بسیج عمومی، ایجاد اجماع، و جلب حمایت مردمی برای اقدامات لازم دارند. این قابلیت، امکان اجرای اقدامات دشوار، اصلاحات ساختاری، و پذیرش سیاست‌های گاه دردناک اما ضروری را فراهم می‌آورد، چرا که با حمایت و درک عمومی مواجه می‌شوند. در این میان، سطح بالای اعتماد عمومی به نهادها و مقامات حکومتی، به عنوان یک مؤلفه کلیدی و حیاتی سرمایه اجتماعی، بزرگترین و پایدارترین پیش‌شرط برای تاب‌آوری نظام در برابر انواع شوک‌های درونی و بیرونی محسوب می‌شود. اطمینان شهروندان به صداقت، شایستگی، و کارآمدی حکومت، نه تنها در دوران آرامش، بلکه به ویژه در دوران سختی و بحران، بستر لازم برای همکاری جمعی، مقاومت در برابر تزلزل، و بازیابی سریع‌تر را فراهم می‌آورد، به عبارت دیگر، یک حکومت مردمی که از اعتماد عمومی برخوردار است، توانایی بیشتری برای عبور از گرداب‌های بحران و بازگشت به مسیر توسعه خواهد داشت.

## ۱.۱.۲ اعتماد عمومی:

اعتماد عمومی یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی است و به عنوان شرط لازم برای تعامل سازنده میان شهروندان و نهادهای اجتماعی و سیاسی شناخته می‌شود. این مفهوم، زیرساختی غیرملموس اما حیاتی است که موجب پایداری نظم اجتماعی، مشروعیت سیاسی و کارآمدی نظام حکمرانی می‌گردد. به طور کلی، اعتماد عمومی را می‌توان به مثابه انتظار مثبت نسبت به

رفتار دیگران یا نهادها در نظر گرفت؛ انتظاری که بر مبنای درک از صداقت، شایستگی و خیرخواهی شکل می‌گیرد.

### ۱.۲.۱. تعریف اعتماد عمومی:

اعتماد عمومی مجموعه‌ای از باورها و نگرش‌های مثبت مردم نسبت به افراد، گروه‌ها، نهادها و نظام‌های حکومتی است که مشروعیت و پایداری تعاملات اجتماعی را تضمین می‌کند. در سطح جامعه، اعتماد عمومی به معنای این باور جمعی است که دیگران (اعم از شهروندان یا نهادها) رفتارهایی قابل پیش‌بینی و منصفانه خواهند داشت. این عنصر، ضامن همکاری و مشارکت اجتماعی بوده و بدون آن، روابط اجتماعی به سمت بدبینی، انزوا و بی‌نظمی میل می‌کند.

### ۱.۲.۲. انواع اعتماد عمومی:

اعتماد را می‌توان بر اساس دامنه و موضوع مورد اعتماد، به سه نوع اصلی تقسیم کرد:

#### ۱. اعتماد بین فردی:

این نوع اعتماد به روابط میان افراد مربوط می‌شود و از تعاملات روزمره، ارتباطات چهره‌به‌چهره و تجربه‌های مشترک اجتماعی ناشی می‌گردد. اعتماد بین فردی شکل‌گیری جامعه مدنی، همکاری داوطلبانه و کاهش شکاف‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند.

#### ۲. اعتماد نهادی:

به میزان اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادهای اجتماعی و سازمانی (مانند مدرسه، رسانه، دانشگاه، بانک و سازمان‌های مدنی) اشاره دارد. اعتماد نهادی هنگامی شکل می‌گیرد که شهروندان باور داشته باشند نهادها مطابق قوانین و اصول اخلاقی عمل می‌کنند و فساد یا سوگیری در آن‌ها کم است.

#### ۳. اعتماد به حکومت:

این نوع اعتماد شامل باور به صداقت، کارآمدی و مسئولیت‌پذیری دولت و نهادهای سیاسی است. اعتماد به حکومت، اساس مشروعیت سیاسی را شکل می‌دهد و در پذیرش سیاست‌ها، مشارکت انتخاباتی و حمایت از تصمیمات ملی نقشی بنیادین دارد. هنگامی که شهروندان احساس کنند حکومت در تصمیم‌گیری‌ها منافع جمعی را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد، اعتماد

سیاسی افزایش می‌یابد.

### ۱.۲.۳. شاخص‌های سنجش اعتماد عمومی:

برای سنجش اعتماد عمومی از روش‌های کمی و کیفی بهره گرفته می‌شود. شاخص‌های اصلی عبارت‌اند از:

۱. **اعتماد بین فردی:** میزان تمایل افراد به همکاری با دیگران، پاسخ به پرسش‌هایی نظیر «آیا

بیشتر مردم قابل اعتمادند؟» یا «آیا حاضر هستید به فردی غریبه اعتماد کنید؟»

۲. **اعتماد نهادی:** ارزیابی ادراک مردم نسبت به شفافیت، پاسخگویی و عدالت در عملکرد سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی.

۳. **اعتماد به حکومت:** اندازه‌گیری میزان رضایت از عملکرد دولت، قوه قضاییه، پارلمان و سایر نهادهای حکمرانی از طریق پیمایش‌های اجتماعی (مانند شاخص *Edelman Trust Barometer* یا *World Values Survey*).

۴. **شاخص‌های رفتاری:** سطح مشارکت مدنی، تمایل به رأی دادن، همکاری داوطلبانه، و میزان پیروی از قوانین نیز شاخص‌های ضمنی اعتماد عمومی به شمار می‌روند.

۵. **شاخص‌های نهادی و رسانه‌ای:** شفافیت اطلاعات، پاسخگویی عمومی، عدالت در توزیع منابع، و حضور نهادهای نظارتی مستقل از جمله مؤلفه‌هایی‌اند که بر حس اعتماد جمعی تأثیر مستقیم دارند.

### ۱.۳. تاب‌آوری نظام حکمرانی:

تاب‌آوری نظام حکمرانی یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی و مدیریت بحران است که به توانایی یک نظام سیاسی و اداری برای پاسخگویی مؤثر به بحران‌ها، انطباق با تغییرات محیطی و حفظ انسجام و مشروعیت خود اشاره دارد. در جهان پیچیده و به‌سرعت در حال تغییر کنونی، تاب‌آوری حکمرانی، نه تنها به معنای «بقا در برابر بحران» نیست، بلکه بیانگر ظرفیت یک نظام برای یادگیری، اصلاح و تحول در مسیر پایداری بلندمدت است.

#### ۱.۳.۱. تعریف تاب‌آوری در علوم سیاسی و مدیریت بحران:

مفهوم تاب‌آوری در علوم سیاسی و مدیریت بحران، به توانایی یک سیستم سیاسی یا سازمانی

برای تحمل، جذب، سازگاری و بازیابی در برابر فشارهای داخلی و خارجی، اختلالات و شوک‌ها اشاره دارد، بدون آنکه دچار فروپاشی شده یا اصول بنیادین خود را از دست بدهد. این مفهوم، به‌ویژه در حوزه حکمرانی، ابعادی چندگانه و پویا دارد که شامل سه ویژگی کلیدی است: مقاومت، بازیابی و سازگاری.

-مقاومت به توانایی یک نظام برای ایستادگی و جلوگیری از فروپاشی در برابر شوک‌ها و فشارهای وارده اشاره دارد. این به معنای داشتن ساختارها و مکانیسم‌های دفاعی قوی است که بتوانند در برابر تنش‌ها مقاومت کنند.

-بازیابی به سرعت و کارآمدی بازگشت به ثبات و عملکرد عادی پس از عبور از یک بحران یا اختلال اشاره دارد. یک نظام تاب‌آور، قادر است پس از وقوع بحران، به‌سرعت به حالت پایدار خود بازگردد و خدمات حیاتی را حفظ کند.

-سازگاری به توانایی یک نظام برای اصلاح ساختارها، سیاست‌ها و فرایندها در پاسخ به تجربیات بحران و همچنین برای پیشگیری از وقوع بحران‌های آینده اشاره دارد. این ویژگی، نشان‌دهنده ظرفیت یادگیری و تحول در نظام است تا بتواند خود را با شرایط متغیر محیطی و چالش‌های جدید وفق دهد.

تاب‌آوری حکمرانی، فراتر از “تاب‌آوری نهادی” است، زیرا علاوه بر ساختارها و فرآیندهای سازمانی، ابعاد وسیع‌تری از جمله جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. این بدان معناست که یک حکمرانی تاب‌آور، نه تنها از نظر سازمانی قوی است، بلکه توانایی درک و مدیریت پویایی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را نیز داراست تا بتواند به‌طور مؤثر با چالش‌های پیچیده مقابله کند و به سمت پایداری بلندمدت حرکت نماید.

### ۱.۳.۲. ابعاد تاب‌آوری نظام حکمرانی:

تاب‌آوری نظام‌های حکمرانی را می‌توان در چهار بعد اصلی زیر تحلیل کرد:

#### ۱. تاب‌آوری اقتصادی:

توانایی نظام اقتصادی برای حفظ پویایی تولید، اشتغال و رفاه اجتماعی در شرایط شوک‌های مالی، رکود یا تحریم. این بعد به تنوع ساختار اقتصادی، استقلال مالی دولت، و کارایی

سیاست‌های پولی و مالی وابسته است. دولت‌هایی با زیرساخت‌های اقتصادی متنوع و سیاست‌های مالی انعطاف‌پذیر، توان بیشتری در کنترل اثرات بحران‌های جهانی یا داخلی دارند.

## ۲. تاب‌آوری اجتماعی:

به میزان انسجام اجتماعی، عدالت توزیعی، و سطح سرمایه اجتماعی در جامعه مربوط است. جوامعی که در آن‌ها اعتماد عمومی و همبستگی بالا وجود دارد، در برابر بحران‌ها - خواه سیاسی، اقتصادی یا طبیعی - واکنش هماهنگ‌تر و مؤثرتری نشان می‌دهند. مشارکت مدنی، احساس مسئولیت جمعی، و شبکه‌های حمایتی محلی از ارکان اصلی این بعد محسوب می‌شوند.

## ۳. تاب‌آوری سیاسی:

اشاره به ظرفیت نهادهای سیاسی برای حفظ مشروعیت، پاسخگویی و کارآمدی در شرایط بحرانی دارد. دولت‌هایی که از شفافیت، تصمیم‌گیری مشارکتی و سازوکارهای بازخورد برخوردارند، در برابر بی‌ثباتی سیاسی مقاوم‌تر هستند. وجود احزاب کارآمد، نظام انتخاباتی شفاف، و فضای گفت‌وگوی عمومی آزاد، به افزایش توان انطباق و کاهش تنش‌های سیاسی کمک می‌کند.

## ۴. تاب‌آوری امنیتی:

شامل توانایی نظام برای حفظ نظم، کنترل بحران‌های امنیتی، و صیانت از حاکمیت و تمامیت ارضی است. تاب‌آوری امنیتی صرفاً به بعد نظامی محدود نیست، بلکه به امنیت انسانی، اطلاعاتی و سایبری نیز گسترش می‌یابد. در این حوزه، هوشمندی راهبردی، هماهنگی میان نهادهای امنیتی، و اعتماد مردم به دستگاه‌های دفاعی اهمیت بنیادین دارد.

## ۱.۳.۳. عوامل مؤثر بر تاب‌آوری حکمرانی:

تاب‌آوری نظام‌های حکمرانی محصول تعامل چندین عامل نهادی، اجتماعی و فرهنگی است. مهم‌ترین عوامل عبارت‌اند از:

### ۱. سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی:

اعتماد اجتماعی بالا بستر تعامل مؤثر دولت و مردم را فراهم کرده و موجب بسیج سریع اجتماعی در شرایط بحرانی می‌شود. هرچه پیوند میان مردم و حاکمیت بر پایه اعتماد، شفافیت و پاسخگویی

استوارتر باشد، میزان تاب‌آوری نظام نیز افزایش می‌یابد.

## ۲. رهبری و تصمیم‌گیری هوشمندانه:

وجود رهبران شایسته، مشارکت‌جو و آینده‌نگر از ارکان اصلی تاب‌آوری است. رهبران کارآمد می‌توانند ضمن درک درست از تهدیدها، منابع موجود را بسیج و سیاست‌های منعطف اتخاذ کنند.

## ۳. ظرفیت نهادی و بروکراسی کارآمد:

تاب‌آوری نیازمند نهادهای چابک، یادگیرنده و پاسخگوست. بروکراسی‌های منعطف که از تمرکز افراطی دوری می‌کنند، امکان پاسخ‌گویی سریع‌تر به بحران‌ها را ایجاد می‌نمایند.

## ۴. یادگیری سازمانی و انعطاف‌پذیری سیاستی:

نظام‌های تاب‌آور از تجربه بحران‌ها برای بهبود کارکردهای خود استفاده می‌کنند. وجود سازوکارهای بازخورد، ارزیابی پس از بحران و اصلاح سیاست‌ها، شاخص‌های کلیدی تاب‌آوری محسوب می‌شوند.

## ۱. تنوع اقتصادی و عدالت اجتماعی:

اقتصادهایی که بر پایه یک یا چند منبع محدود بنا شده‌اند (مانند درآمد نفتی)، در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیرترند. در مقابل، توزیع عادلانه منابع و تقویت طبقه متوسط، تاب‌آوری بلند مدت جامعه را تضمین می‌کند.

## ۲. شفافیت اطلاعات و ارتباط مؤثر با جامعه:

ارتباط صادقانه حکومت با شهروندان، اطلاع‌رسانی شفاف در شرایط بحران و مقابله با شایعات، اعتماد عمومی و در نتیجه ظرفیت تاب‌آوری را بالا می‌برد.

## ۱.۴. ارتباط متقابل مفاهیم: اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری نظام

### حکمرانی (مدل مفهومی):

ارتباط میان اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری نظام حکمرانی را می‌توان در قالب یک زنجیره علی و تعاملی تبیین کرد که در آن اعتماد عمومی به‌عنوان محور اصلی، نقش پیوند دهنده میان جامعه و حکومت را ایفا می‌کند. این سه مفهوم نه به صورت مستقل، بلکه در بستر

یک نظام اجتماعی - سیاسی پویا عمل می کنند که هر جزء بر دیگری اثر متقابل دارد.

#### ۱.۴.۱. نقش اعتماد عمومی در تقویت سرمایه اجتماعی:

اعتماد عمومی، زیرساخت حیاتی شکل گیری و پایداری سرمایه اجتماعی است. هنگامی که شهروندان به یکدیگر و به نهادهای رسمی باور دارند که رفتار منصفانه و پیش‌بینی‌پذیر نشان خواهند داد، سه عنصر کلیدی سرمایه اجتماعی - اعتماد، شبکه‌ها و هنجارهای همکاری - فعال می‌شود.

۱. تسهیل تعاملات اجتماعی: اعتماد عمومی، موجب می‌شود تعاملات روزمره با هزینه کمتر و سرعت بیشتر انجام گیرد، زیرا مردم نیازی به کنترل و نظارت مداوم ندارند.

۲. تقویت همکاری و مشارکت مدنی: شهروندان در جوی آکنده از اعتماد، تمایل بیشتری به شرکت در فعالیت‌های جمعی، نهادهای محلی و کنش‌های داوطلبانه دارند.

۳. تحکیم هنجارهای اخلاقی و تعهدات جمعی: اعتماد متقابل، بروز رفتارهای مسئولانه و رعایت هنجارهای اجتماعی را افزایش می‌دهد.

بر این اساس، اعتماد عمومی نه فقط یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، بلکه منبع مولد آن است؛ عاملی که شبکه‌های همکاری و احساس تعلق جمعی را بازتولید می‌کند.

#### ۱.۴.۲. تأثیر سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری نظام حکمرانی:

سرمایه اجتماعی، که از اعتماد عمومی و پیوندهای قوی همکاری در جامعه نشأت می‌گیرد، نقش حیاتی در افزایش ظرفیت نظام حکمرانی برای واکنش مؤثر به بحران‌ها ایفا می‌کند. هنگامی که جامعه دارای سطح بالایی از همبستگی و همکاری باشد، دولت قادر خواهد بود از این سرمایه برای مدیریت بهتر بحران‌ها بهره‌مند شود.

۱. در چنین شرایطی، بسیج اجتماعی برای واکنش به بحران‌ها می‌تواند با سرعت و هزینه کمتری صورت گیرد. اعتماد متقابل بین شهروندان و دولت، هماهنگی و همکاری را تسهیل می‌کند و امکان اجرای سریع‌تر اقدامات اضطراری را فراهم می‌آورد.

۲. انتقال سیاست‌ها و تصمیمات کلان با مقاومت کمتر و رضایت بیشتری در جامعه‌ای با سرمایه اجتماعی بالا اجرا می‌شود. زمانی که شهروندان به دولت و اهداف آن اعتماد دارند، احتمال

پذیرش و حمایت از سیاست‌های اتخاذ شده، حتی اگر چالش‌برانگیز باشند، افزایش می‌یابد.

۳. دولت می‌تواند از مزیت اطلاعاتی حاصل از شبکه‌های غیررسمی بهره‌مند شود. شبکه‌های اجتماعی قوی، کانال‌های مؤثری برای جمع‌آوری اطلاعات دقیق و به‌روز در مورد وضعیت جامعه، نیازهای شهروندان و اثربخشی اقدامات دولتی در شرایط بحرانی فراهم می‌کنند که این اطلاعات می‌تواند در بهبود مدیریت بحران به کار گرفته شود.

به طور خلاصه، سرمایه اجتماعی بالا به عنوان یک پل ارتباطی مستحکم میان جامعه و دولت عمل کرده و به پایداری مشروعیت نظام حکمرانی کمک شایانی می‌نماید. این وضعیت، به‌ویژه در شرایط بحرانی و یا در دوره‌های بحران اعتماد، به عنوان یک عامل بازدارنده قوی در برابر واگرایی‌های سیاسی و اجتماعی عمل می‌کند و به حفظ انسجام و ثبات جامعه یاری می‌رساند.

### ۱.۴.۳ مسیر بازخوردی:

رابطه بین حکمرانی و اعتماد عمومی، یک رابطه خطی ساده نیست، بلکه یک چرخه بازخوردی پویا و هم‌افزا را تشکیل می‌دهد. این بدان معناست که عملکرد نظام حکمرانی نه تنها بر اعتماد عمومی تأثیر می‌گذارد، بلکه خود نیز از نتایج این تأثیرپذیری بهره‌مند شده و تقویت می‌گردد. هنگامی که نظام حکمرانی در حوزه‌های کلیدی مانند اجرای مؤثر سیاست‌ها، رعایت شفافیت در فرایندها، برقراری عدالت توزیعی و پاسخگویی به شهروندان عملکرد مطلوبی از خود نشان می‌دهد، این اقدامات به طور مستقیم منجر به نتایج زیر می‌شود:

۱. **بازسازی و تقویت اعتماد عمومی:** شهروندان با مشاهده عملکرد مثبت و قابل اتکای دولت، احساس امنیت و اطمینان بیشتری پیدا می‌کنند که این امر به بازسازی و ارتقاء سطح اعتماد عمومی منجر می‌شود.

۲. **تقویت همکاری اجتماعی:** اعتماد متقابل میان دولت و جامعه، بستر را برای افزایش همکاری‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. شهروندان تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و همکاری با نهادهای دولتی نشان می‌دهند.

۳. **انباشت سرمایه اجتماعی به عنوان پشتیبان مشروعیت نظام:** همکاری و اعتماد تقویت شده، به انباشت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. این سرمایه اجتماعی، خود به عنوان یک

پشتوانه قدرتمند برای مشروعیت نظام حکمرانی عمل کرده و اساس پایداری آن را تقویت می‌کند.

در نهایت، تاب‌آوری نظام حکمرانی را می‌توان به عنوان محصول نهایی این چرخه هم‌افزای مثبت در نظر گرفت. اما این تاب‌آوری نیز یک وضعیت ایستا نیست؛ بلکه خود به عاملی برای تقویت مجدد اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی بدل می‌شود. عملکرد بهتر نهادها و ساختارهای حکمرانی، که ناشی از تاب‌آوری آنهاست، دوباره به تقویت اعتماد و همکاری منجر شده و این چرخه مثبت را ادامه می‌دهد. این یک چرخه هم‌افزای مثبت است که در آن هر جزء، دیگری را تقویت کرده و به بهبود مستمر نظام حکمرانی و افزایش پایداری آن کمک می‌کند.

## ۵.۱. جمع‌بندی:

اعتماد عمومی، به عنوان «زیربنای نرم» حکمرانی، نقشی بنیادین در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی و افزایش انسجام ملی دارد. این اعتماد، هنگامی که در میان دولت و جامعه برقرار باشد، موجب شکل‌گیری پیوندهای قوی میان شهروندان و نهادهای حکومتی می‌شود و بدین ترتیب، زمینه را برای همکاری، مشارکت و همبستگی اجتماعی فراهم می‌سازد.

سرمایه اجتماعی، که حاصل این اعتماد متقابل است، در قالب شبکه‌ای از روابط مبتنی بر همیاری، مسئولیت‌پذیری و درک مشترک از منافع عمومی، ظرفیت جامعه را برای مواجهه با بحران‌ها و چالش‌ها افزایش می‌دهد. هر چه این سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، تاب‌آوری جامعه و نظام سیاسی در برابر فشارهای داخلی و خارجی نیز تقویت می‌شود؛ زیرا افراد در چنین جامعه‌ای تمایل بیشتری به مشارکت فعال، حمایت از تصمیمات جمعی و حفظ ثبات اجتماعی دارند.

از این منظر، رابطه میان اعتماد، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری حکمرانی یک چرخه پویا و هم‌افزا را تشکیل می‌دهد. اعتماد، بذر سرمایه اجتماعی را می‌کارد؛ سرمایه اجتماعی، به پایداری و انسجام درونی نظام کمک می‌کند؛ و تاب‌آوری در حکمرانی، خود موجب افزایش دوباره اعتماد عمومی می‌گردد. این چرخه مثبت، زیربنای پایداری دولت-جامعه در بلندمدت است و بدون آن، هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند از ثبات و کارآمدی پایدار برخوردار باشد.

**بخش دوم: وضعیت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در ایران**

## ۲.۱. مروری بر تحقیقات و پیمایش‌های ملی و منطقه‌ای در زمینه سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در ایران:

مطالعه وضعیت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در ایران طی دو دهه گذشته، بخش مهمی از پژوهش‌های علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی سیاسی و مطالعات حکمرانی را به خود اختصاص داده است. نتایج اغلب این مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایران، هم در سطح کلان (اعتماد به نهادها و حکومت) و هم در سطح خرد (اعتماد بین فردی، مشارکت مدنی و احساس تعلق)، دچار تحول و نوسان بوده است. این تحولات اغلب متأثر از روندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی کشور تحلیل می‌شوند.

### ۲.۱.۱. پیمایش‌های ملی سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی:

#### ۱. پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی):

این پروژه که از دهه ۱۳۷۰ تاکنون در چند موج انجام شده، یکی از اصلی‌ترین منابع داده درباره سرمایه اجتماعی است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین اعتماد بین فردی در ایران در قیاس با کشورهای دارای سطح توسعه مشابه نسبتاً پایین است. برای مثال، در موج‌های مختلف، تنها حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که «اکثر مردم قابل اعتمادند».

در مقابل، اعتماد به نهادهای رسمی (به‌ویژه نهادهای دینی و نیروهای نظامی) معمولاً بالاتر از اعتماد به نهادهای اداری و سیاسی بوده است. این تمایز، یکی از ویژگی‌های ساختاری اعتماد نهادی در ایران محسوب می‌شود.

#### ۲. پیمایش افکار عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز تحقیقات صداوسیما:

این تحقیقات در دهه ۱۳۹۰ بر روند کاهش اعتماد به عملکرد نهادهای اقتصادی و اداری تأکید دارند. عواملی مانند فساد اقتصادی، تبعیض، ناکارآمدی خدمات عمومی و نوسانات اقتصادی، به عنوان مؤلفه‌های اصلی فرسایش اعتماد عمومی معرفی شده‌اند.

درعین حال، مشارکت در نهادهای مدنی و کسب و کارهای محلی با مدیریت مردمی، در برخی استان‌ها (به‌ویژه در مناطق روستایی) نشانه‌هایی از اعتماد افقی و بومی پایدارتر را نشان داده است.

۳. پژوهش‌های مرکز آمار ایران و طرح سنجش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۵-۱۳۹۸):  
در این طرح، سه بُعد «اعتماد»، «انسجام» و «مشارکت» بررسی شده است. نتایج نشان داد میانگین سرمایه اجتماعی کشور در بازه عددی ۱۰۰، حدود ۵۴ تا ۵۹ واحد بوده است. استان‌هایی با ساختار جمعیتی متراکم، تنوع فرهنگی کمتر و سابقه همیاری اجتماعی (مانند یزد و همدان) نمرات بالاتری کسب کرده‌اند، در حالی که کلان‌شهرها مانند تهران، تفاوت معناداری میان اعتماد درون‌گروهی و برون‌گروهی نشان داده‌اند.

### ۲.۱.۲. الگوهای منطقه‌ای و تفاوت‌های درون‌استانی:

پژوهش‌های منطقه‌ای، از جمله مطالعات دانشگاه‌های تهران، شیراز، تربیت مدرس و شهید چمران اهواز، به ناهمگنی سرمایه اجتماعی در ایران اشاره دارند. از نتایج کلیدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در استان‌های با سابقه قوی مشارکت اجتماعی (همچون کردستان، گیلان، یزد)، شاخص اعتماد افقی و همکاری داوطلبانه بالاتر است.
- در مناطق با تمرکز بالای مهاجرت و شهرنشینی جدید، مانند تهران و البرز، ساختار اعتماد بیشتر مبتنی بر روابط خانوادگی و قومی است تا اعتماد عمومی.
- بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی (مانند خشکسالی، تورم یا بیکاری) معمولاً با افت هم‌زمان در شاخص اعتماد به نهادهای رسمی همراه بوده‌اند، نشان‌دهنده‌ی ارتباط دوسویه میان کارکرد دولت و ذخیره سرمایه اجتماعی.

### ۲.۱.۳. گرایش‌های تحلیلی پژوهش‌های داخلی:

تحلیل‌های دانشگاهی درباره سرمایه اجتماعی در ایران را می‌توان در سه گرایش عمده خلاصه کرد:

۱. **رویکرد نهادی:** تمرکز بر تأثیر ساختار حکومت، شفافیت و عدالت اداری بر سطح اعتماد عمومی.

۲. **رویکرد فرهنگی – هنجاری:** تأکید بر نقش ارزش‌های اخلاقی، هویت‌های محلی و دیانت در تقویت یا تضعیف پیوندهای اجتماعی.

**۳. رویکرد شبکه‌ای:** تحلیل نقش شبکه‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری الگوهای جدید اعتماد و مشارکت؛ به‌ویژه ظهور «سرمایه اجتماعی مجازی» در دهه اخیر. در جمع‌بندی می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در ایران ویژگی دوگانه‌ای دارند: از یک‌سو، انسجام درون‌گروهی و اتکای فرد به شبکه‌های خُرد (خانواده، قوم، دین) نسبتاً بالاست، اما از سوی دیگر، اعتماد به نهادهای کلان، ساختار اداری و نظام تصمیم‌گیری در معرض تضعیف تدریجی بوده است. این شکاف، یکی از چالش‌های اساسی حکمرانی و توسعه سیاسی کشور در سال‌های اخیر محسوب می‌شود.

## **۲.۲. روندهای تاریخی و تحولات اعتماد عمومی در دهه‌های اخیر:**

اعتماد عمومی در ایران، تحت تأثیر تحولات مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دستخوش تغییرات معنایی و کمی زیادی بوده است. از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا به امروز، این مفهوم به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در کارآمدی و پایداری نظام سیاسی، همواره در کانون توجه پژوهشگران و تحلیلگران قرار گرفته است.

### **۲.۲.۱. انقلاب اسلامی و تأثیرات اولیه (۱۳۵۷):**

انقلاب ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ ایران بود. این انقلاب منجر به حاکمیت جدیدی در کشور و تغییرات عمده‌ای در ساختار اجتماعی و اقتصادی شد. در پی این تحولات، اعتماد عمومی به نهادهای دولتی به‌طور موقتی افزایش یافت، زیرا بسیاری از مردم امید به تغییر در وضعیت اقتصادی و سیاسی داشتند.

با این حال، در طول زمان، به تدریج و به علت ناکارآمدی‌های مدیریتی، فساد اقتصادی و بحران‌های اجتماعی، این اعتماد دچار نوسانات در سال‌های مختلف شد.

### **۲.۲.۲. جنگ تحمیلی و بحران‌ها (۱۳۵۹-۱۳۶۷):**

جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) ادغام سنگینی از رنج و سختی اقتصادی، اجتماعی و انسانی را به همراه داشت. این جنگ به رغم آن‌که در ابتدا موجب تقویت حس همبستگی و «وحدت ملی» شد، اما پس از پایان آن، با ظهور مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ، اعتماد

عمومی به نهادهای حکومتی کاهش یافت. در این دوران، بسیاری از مردم به علت کمبودها، نابرابری‌های اجتماعی و وعده‌های برآورده نشده، احساس یأس و ناامیدی کردند.

### ۲.۲.۳. دوره سازندگی و اصلاحات (۱۳۷۰-۱۳۸۴):

در اواسط دهه ۱۳۷۰، با روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی و سپس دولت محمد خاتمی، شاهد تلاش‌هایی برای بازسازی اقتصادی و اجتماعی بودیم. اصطلاح «سازندگی» در این دوره به تدریج اعتماد عمومی را افزایش داد. به ویژه، دولت اصلاحات سعی کرد با سیاست‌های شفاف‌سازی، افزایش مشارکت مدنی و تقویت نهادهای مدنی، امید را به جامعه برگرداند. با این حال، انتقادات به این دولت‌ها در موضوع مسائل اقتصادی و اجتماعی، از جمله ناتوانی در کنترل تورم و افزایش معضلات اجتماعی، به کم شدن دوباره اعتماد در انتهای این دوره منجر شد.

### ۲.۲.۴. بحران‌های دهه ۸۰ و ۹۰ (از ۱۳۸۴ به بعد):

با روی کار آمدن دولت‌های نهم و دهم، موضوع اعتماد عمومی به شدت تحت تأثیر تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی قرار گرفت. تا حدودی اعتماد عمومی به قبل برگشت اما در دولت دهم، چالش‌هایی مانند تحریم‌ها، بحران‌های اقتصادی، و فساد مالی زمینه‌ساز نگرانی‌های بیشتری درباره سازوکارهای حکومتی و کاهش اعتماد عمومی شد. بر اساس نتایج پیمایش‌های انجام شده، اعتماد به نهادهای حکومتی به پایین‌ترین سطح خود در تاریخ معاصر رسید. برای مثال، در سال ۱۳۹۲، بسیاری از پیمایش‌ها نشان دادند که کمتر از ۱۰ درصد مردم به نهادهای سیاسی و اداری اعتماد دارند.

### ۲.۲.۵. تحولات اجتماعی و ورود به دهه ۹۰:

پس از سال ۱۳۹۲، و با توجه به انتخاب دولت یازدهم و دوازدهم؛ اعطای امید به سیاست‌های «اعتدال» و تمرکز بر گفت‌وگوی اجتماعی و تعامل با جامعه جهانی، مقداری از اعتماد عمومی به عقب برگشت.

در عین حال، نارضایتی‌های اجتماعی مانند اعتراضات سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ (به ویژه در پی مشکلات اقتصادی) نشان‌دهنده بی‌ثباتی در میزان اعتماد عمومی و ناپایداری، حتی در مقاطع جدیدتر، بود.

## ۲.۲.۶. دهه ۱۴۰۰: تحولات جدید و چالش‌های روز:

در دهه ۱۴۰۰، ایران با تحولات سیاسی و اجتماعی جدیدی مواجه بود که تأثیر قابل توجهی بر اعتماد عمومی داشت. از جمله این تحولات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**۱.۱ اثر کووید-۱۹:** بحران بهداشتی ناشی از پاندمی COVID-۱۹، به شکل‌گیری فشارهای اجتماعی و اقتصادی جدید منجر شد. عملکرد نهادهای دولتی در مدیریت این بحران و توزیع واکسن، تأثیر عمیقی بر اعتماد عمومی داشت. برخی از مردم احساس کردند که دولت در مواجهه با این چالش ناکارآمد بوده است، که خود به کاهش اعتماد عمومی منجر شد، اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم و توزیع نیازهای عمومی و تامین واکسن مورد نیاز بخشی از اعتماد عمومی برگشت و وضعیت عمومی بهتر شد.

**۲. تحریم‌ها و بحران اقتصادی:** افزایش فشارهای اقتصادی به خاطر تحریم‌های بین‌المللی و کاهش درآمدهای نفتی مشکلات جدیدی را به وجود آورد. علاوه بر این، تورم و نوسانات شدید قیمت‌ها، به تضعیف امید مردم برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی انجامید.

**۳. تحولات سیاسی داخلی:** انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و نتایج آن، بار دیگر پرتوی بر چگونگی اعتماد عمومی بر نهادها و انتخاب سیاست‌های کلان انداخت. با روی کار آمدن دولت جدید، تلاش‌ها برای تغییر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آغاز شد، اما نگرانی‌ها درباره شفافیت، عدالت اجتماعی و پاسخگویی همچنان برجسته بود.

**۴. حرکت‌های اجتماعی و افزایش آگاهی عمومی:** با رشد رسانه‌های اجتماعی و افزایش دسترسی به اطلاعات، شهروندان به نسبت بیشتری به تداوم فشار بر نهادها پرداخته و به انتقاد از مشکلات اجتماعی و اقتصادی خود پرداختند. این نوع از آگاهی اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش تقاضا برای شفافیت و پاسخگویی شود.

در مجموع، روندهای تاریخی و تحولات اعتماد عمومی در ایران از انقلاب اسلامی تا کنون، نشان‌دهنده تنوع و نوسانات پیچیده‌ای است که به طور متناوب این مفهوم را تحت تأثیر قرار داده‌اند. این تحولات، نه تنها به رفع چالش‌های موجود کمک می‌کند، بلکه به عنوان زنگ هشدار برای حکومت‌داری مؤثر و پاسخگویی به شهروندان عمل می‌کند. در دهه ۱۴۰۰، اعتماد

عمومی به شدت تحت تأثیر بحران‌ها و تحولات جدید قرار دارد و به نظر می‌رسد که بازسازی آن نیازمند تلاش‌های مشخص و رویکردی متعهدانه از سوی نهادهای دولتی و اجتماعی باشد.

## **۲.۳. شکاف‌های اعتماد: اعتماد به نهادهای مختلف و اعتماد بین گروه‌های اجتماعی:**

شکاف‌های اعتماد در جامعه ایران حاکی از نارضایتی‌ها و نگرانی‌های عمیق اجتماعی است. این شکاف‌ها نه تنها بر اعتماد به نهادهای حکومتی تأثیر می‌گذارد، بلکه بر روابط بین گروه‌های اجتماعی نیز تأثیرگذار است. در این بخش، به بررسی ساختار و ابعاد این شکاف‌ها پرداخته و چالش‌های مرتبط را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

### **۲.۳.۱. اعتماد به نهادهای مختلف:**

#### **۱. قوه قضائیه:**

قوه قضائیه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای کشور، در سال‌های اخیر با چالش‌های جدی‌تری مواجه بوده است. آمار پیمایش‌ها نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به قوه قضائیه به سبب مشکلاتی همچون فساد، عدم شفافیت در تصمیمات و احکام ناعادلانه کاهش یافته است. طبق تحقیقات، تنها حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از مردم احساس می‌کنند که قوه قضائیه به‌خوبی از حقوق آن‌ها دفاع می‌کند.

#### **۲. دولت:**

اعتماد به دولت به‌ویژه در نیمه‌های دهه ۹۰ و با افزایش بحران‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار گرفت. مردم به‌ویژه در مواجهه با مشکلات اقتصادی نظیر تورم و بیکاری، احساس ناامیدی از کارکرد دولت دارند. این امر در پی تصدی دستیابی به سیاست‌های کارآمد و شفاف، شکاف‌های عمیقی را ایجاد کرده است.

#### **۳. مجلس:**

اعتماد به مجلس به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری نیز افت شدید یافته است. بسیاری از افراد به عملکرد نمایندگان خود انتقاد دارند و معتقدند که آن‌ها به منافع مردم توجه نمی‌کنند و بیشتر تحت تأثیر لابی‌ها و گروه‌های خاص هستند. مقاطع مختلف انتخابات نشان‌دهنده افت مشارکت و انتقادات

از ناکارآمدی مجلس در تحقق وعده‌های خود بوده است.

#### ۴. نیروهای مسلح:

اعتماد به نیروهای مسلح، به‌ویژه در سال‌های اخیر، تغییرات شدیدی را تجربه کرده است. در شرایطی که برخی اقشار جامعه به نیروهای مسلح به عنوان ضامن امنیت ملی و ثبات اجتماعی نگاه می‌کنند، نمایندگان از نظر انتقادات به دخالت‌های نظامی در سیاست، به ایجاد شکاف‌های اجتماعی منجر می‌شود. این مسئله موجب دوگانگی در احساس اعتماد نسبت به نیروهای مسلح شده است.

#### ۵. رسانه‌ها:

رسانه‌ها نیز به عنوان واسطه گران اطلاعات، نقش مهمی در شکل‌گیری اعتماد عمومی دارند. با افزایش رسانه‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، بر صحت و اعتبار اخبار و اطلاعات نیز شک و تردیدهای زیادی ایجاد شده است. بر اساس پیمایش‌ها، دو سوم مردم به محصولات رسانه‌ای به‌ویژه رسانه‌های دولتی اعتماد ندارند و به آنها به عنوان منابع مطمئن اطلاعات نگاه نمی‌کنند.

### ۲.۳.۲. اعتماد بین گروه‌های اجتماعی

#### ۱. گروه‌های اجتماعی مختلف:

در ایران، تنوع قومی و فرهنگی وجود دارد که خود می‌تواند به تشکیل شکاف‌های جدی در اعتماد بین گروه‌های مختلف بیانجامد. اختلافات تاریخی، اقتصادی و سیاسی منجر به ایجاد مرزهای اجتماعی و فرهنگی شده است که بر روی احساس تعلق و اعتماد متقابل تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، در برخی موارد، جوامع محلی با یکدیگر در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی پیوندهای محکمی برقرار کرده‌اند، در حالی که نفرت و مخالفت‌های عمیق نیز وجود دارد.

#### ۲. نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی:

ناکارآمدی در وضع عمومی و توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی در کشور، منجر به بروز تنش‌ها و احساس نارضایتی در بین گروه‌های اجتماعی می‌شود. این نارسایی‌ها به تضعیف اعتماد بین گروه‌های مختلف با زمینه‌های اجتماعی متفاوت انجامیده است.

برای نمونه، روش‌های مختلف در توزیع منابع (مانند تسهیلات اقتصادی) می‌تواند موجب احساس تبعیض و بی‌اعتمادی نسبت به گروه‌هایی خاص شود.

### ۳. فضای رقابتی و سیاسی:

فضای سیاسی نیز بر بار تنش‌های اجتماعی تاثیر دارد. مشارکت غیرعادلانه گروه‌ها در سیاست و بی‌توجهی به مطالبات اجتماعی باعث می‌شود که افراد احساس تنهایی و بی‌اعتمادی کنند. در این فضای بحرانی، درخواست‌ها و مطالبات اجتماعی به کاهش اعتماد بین گروه‌ها می‌انجامد. شکاف‌های اعتماد در ایران، نه تنها به نهادهای مختلف، بلکه به اعتماد بین گروه‌های اجتماعی نیز آسیب زده است. برای حل این چالش‌ها، نیاز به رویکردی جامع و چندجانبه وجود دارد که شامل شفاف‌سازی، بهبود کارایی نهادها، و تقویت ارتباطات اجتماعی می‌شود. احیای اعتماد در سطح فردی و اجتماعی به عنوان پایه‌ای برای توسعه پایدار و حکمرانی مؤثر، حیاتی خواهد بود.

### ۲.۴. عوامل کلیدی مؤثر بر سطح اعتماد عمومی در ایران

اعتماد عمومی، به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی خوب و انسجام اجتماعی، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل در هم تنیده قرار دارد. در ایران، این عوامل در طول دهه‌های اخیر دستخوش تغییرات و شدت و ضعف‌های متفاوتی بوده‌اند. در این بخش، به بررسی چهار حوزه کلیدی مؤثر بر اعتماد عمومی می‌پردازیم:

#### ۲.۴.۱. عملکرد نهادها (حکومتی، قضایی، اداری)

عملکرد نهادهای حکومتی، از جمله قوه مجریه، قضائیه، و دیگر ارگان‌های اداری، یکی از اصلی‌ترین پایه‌های شکل‌گیری اعتماد عمومی است.

**۱. شفافیت و پاسخگویی:** نهادهایی که به طور شفاف عمل می‌کنند، اطلاعات در دسترس عموم قرار می‌دهند و به سؤالات و نگرانی‌های شهروندان پاسخگو هستند، از سطح اعتماد بالاتری برخوردارند. در مقابل، پنهان‌کاری، عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، و عدم پاسخگویی مؤثر، به شدت اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند.

**۲. عدالت و انصاف:** توزیع عادلانه خدمات، برخورد یکسان با همه شهروندان بدون تبعیض، و اجرای قانون به صورت منصفانه، از عوامل بنیادین تقویت اعتماد است. بروز تبعیض، فساد اداری و قضایی، و نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها، اعتماد عمومی را به طور جدی تضعیف می‌نماید.

**۳. کارآمدی و اثربخشی:** توانایی نهادها در ارائه خدمات عمومی با کیفیت (بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل، امنیت) و حل مشکلات جامعه، نقش مستقیمی در میزان اعتماد شهروندان دارد. ناکارآمدی نهادها در تحقق وعده‌ها و رفع مشکلات، منجر به سرخوردگی و کاهش اعتماد می‌شود.

**۴. مشروعیت و اقتدار:** احساس مشروعیت نهادها در نزد مردم، که ناشی از مقبولیت مردمی، پایبندی به ارزش‌ها و قانون‌مداری است، عامل مهمی در اعتماد عمومی است. نهادهایی که احساس می‌کنند از اقتدار لازم برای اجرای قوانین و سیاست‌های خود برخوردارند، اما این اقتدار را در جهت منافع عمومی به کار می‌گیرند، اعتماد بیشتری را جلب می‌کنند.

#### **۲.۴.۲. وضعیت اقتصادی (تورم، بیکاری، نابرابری):**

شرایط اقتصادی، به‌ویژه در جوامعی مانند ایران که اقتصاد نقش بسزایی در زندگی روزمره مردم دارد، تأثیر عمیقی بر اعتماد عمومی می‌گذارد.

- **تورم و قدرت خرید:** افزایش مداوم تورم و کاهش قدرت خرید مردم، فشار اقتصادی شدیدی را بر خانوارها وارد می‌کند. این وضعیت، احساس ناامنی اقتصادی و ناتوانی دولت در مدیریت اوضاع را تقویت کرده و منجر به کاهش اعتماد عمومی می‌شود.
- **بیکاری و فرصت‌های شغلی:** نرخ بالای بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان، ناامیدی از آینده و احساس بی‌ارزشی را در جامعه افزایش می‌دهد. عدم ایجاد فرصت‌های شغلی کافی و پایدار، اعتماد به توانایی دولت در تأمین رفاه عمومی را کاهش می‌دهد.
- **نابرابری اقتصادی:** شکاف طبقاتی فزاینده و نابرابری در توزیع ثروت و درآمد، احساس بی‌عدالتی را در جامعه تقویت می‌کند. وقتی بخش قابل توجهی از جامعه احساس می‌کنند که نظام اقتصادی به نفع گروهی خاص عمل می‌کند، اعتماد عمومی به این نظام و نهادهای مسئول آن به شدت کاهش می‌یابد.

- **مدیریت اقتصادی و ثبات:** نحوه مدیریت کلان اقتصادی، سیاست‌های ارزی و پولی، و ثبات اقتصادی، نقش مستقیمی در تعیین سطح اعتماد عمومی دارد. عدم ثبات اقتصادی، نوسانات شدید ارزی، و ناکارآمدی در سیاست‌گذاری اقتصادی، به نگرانی‌های مردم دامن زده و اعتماد آنها را سلب می‌کند.

### ۲.۴.۳. رسانه‌ها (سنتی و نوین):

رسانه‌ها، چه سنتی (رادیو، تلویزیون) و چه نوین (شبکه‌های اجتماعی، وب‌سایت‌های خبری)، نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و در نتیجه، اعتماد عمومی ایفا می‌کنند.

- **اطلاع‌رسانی و شفافیت:** رسانه‌هایی که اخبار را به صورت دقیق، بی‌طرفانه و کامل منتشر می‌کنند، به شهروندان کمک می‌کنند تا تصویر درستی از واقعیت‌ها داشته باشند. این شفافیت، مبنایی برای شکل‌گیری اعتماد آگاهانه است.

- **اخبار جعلی و اطلاعات نادرست:** انتشار اخبار جعلی (Fake News) و اطلاعات نادرست، به‌ویژه در عصر دیجیتال، می‌تواند اعتماد عمومی را به طور گسترده‌ای تضعیف کند. این پدیده، هم اعتماد به رسانه‌ها را کاهش می‌دهد و هم اعتماد به نهادهایی که موضوع اخبار جعلی هستند.

- **نقد و نظارت:** رسانه‌های مستقل و آزاد، وظیفه نقد و نظارت بر عملکرد نهادها را بر عهده دارند. این نقش نظارتی، زمانی که با رویکردی سازنده و مبتنی بر واقعیت انجام شود، می‌تواند به بهبود عملکرد نهادها و افزایش اعتماد عمومی کمک کند. اما رویکردهای تخریبی و غرض‌ورزانه، می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد.

- **تأثیر رسانه‌های اجتماعی:** در سال‌های اخیر، شبکه‌های اجتماعی به یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی برای بسیاری از شهروندان تبدیل شده‌اند. سرعت انتشار اطلاعات در این شبکه‌ها، امکان شکل‌گیری سریع افکار عمومی و همچنین موج‌سواری بر نارضایتی‌ها را فراهم می‌کند.

### ۲.۴.۴. رویدادهای سیاسی و اجتماعی:

اتفاقات سیاسی و اجتماعی بزرگ، چه مثبت و چه منفی، تأثیر شگرفی بر اعتماد عمومی بر جای می‌گذارند.

- **بحران‌ها و فجایع:** رویدادهایی مانند بلایای طبیعی (زلزله، سیل)، حوادث ناگوار (سقوط هواپیما، آتش‌سوزی)، و یا بحران‌های سیاسی (ناآرامی‌های اجتماعی، تنش‌های بین‌المللی)، میزان اعتماد به توانایی مدیریت و پاسخگویی نهادها را به چالش می‌کشند. نحوه مدیریت این بحران‌ها، تعیین‌کننده است.
  - **دستاوردها و موفقیت‌ها:** موفقیت‌های بزرگ ملی (مانند دستاوردهای علمی، ورزشی، یا حل بحران‌های پیچیده)، می‌تواند موجب تقویت حس غرور ملی و افزایش اعتماد عمومی به توانمندی‌های کشور و نهادهای آن شود.
  - **انتخابات و تغییرات سیاسی:** فرآیندهای انتخاباتی، از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس، فرصتی برای بازسازی یا تضعیف اعتماد عمومی هستند. نتایج انتخابات، وعده‌های انتخاباتی، و نحوه اجرای برنامه‌ها پس از آن، همگی بر اعتماد مردم تأثیرگذارند.
  - **جنبش‌ها و اعتراضات اجتماعی:** اعتراضات مردمی، مانند آنچه در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ رخ داد، نشان‌دهنده عمق نارضایتی و شکاف موجود بین مردم و حاکمیت است. این رویدادها، سطح اعتماد عمومی را به پایین‌ترین حد خود می‌رسانند و زنگ خطر جدی برای نظام حکمرانی محسوب می‌شوند.
- در نهایت، می‌توان گفت که اعتماد عمومی در ایران، پدیده‌ای چندوجهی است که تحت تأثیر تعامل پیچیده میان عملکرد نهادها، وضعیت اقتصادی، نقش رسانه‌ها و رویدادهای سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. برای بهبود و بازسازی اعتماد عمومی، لازم است تا تمام این عوامل به صورت هم‌زمان و با رویکردی جامع مورد توجه قرار گیرند.

**بخش سوم:**

**اعتماد عمومی به عنوان موتور محرکه تاب آوری در مواجهه با تهدیدات**

### ۳.۱. تعریف و طبقه‌بندی تهدیدات علیه نظام حکمرانی ایران:

تهدید علیه نظام حکمرانی را می‌توان هرگونه عاملی تعریف کرد که پایداری، امنیت، تمامیت ارضی، یا مشروعیت و کارآمدی نهادهای حاکمیتی را در معرض خطر قرار دهد. این تهدیدات می‌توانند از منابع مختلف داخلی و خارجی نشأت گرفته و اشکال گوناگونی به خود بگیرند. در بستر ایران، این تهدیدات را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

#### ۳.۱.۱. تهدیدات خارجی:

این دسته از تهدیدات از سوی بازیگران و نیروهای فرامرزی نشأت گرفته و مستقیماً یا غیرمستقیم، ثبات و امنیت نظام حکمرانی ایران را هدف قرار می‌دهند.

##### ۱. تهدیدات نظامی:

- **حملات نظامی مستقیم:** احتمال تهاجم نظامی از سوی کشورهای متخاصم، هرچند با توجه به بازدارندگی منطقه‌ای و بین‌المللی، کمتر محتمل به نظر می‌رسد، اما همواره به عنوان یک تهدید بالقوه وجود دارد.
- **جنگ نیابتی و حمایت از گروه‌های مخالف:** دخالت نظامی غیرمستقیم از طریق حمایت از گروه‌های شورشی، تجزیه طلب، یا تروریستی در مناطق مرزی یا درون کشور.
- **تهدیدات سایبری نظامی:** حملات گسترده سایبری به زیرساخت‌های حیاتی نظامی و دفاعی کشور.

##### ۲. تهدیدات امنیتی:

- **جاسوسی و نفوذ:** فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی توسط سرویس‌های اطلاعاتی خارجی برای جمع‌آوری اطلاعات، ایجاد شکاف در ساختارهای امنیتی، و تسهیل نفوذ.
- **تروریسم و خرابکاری:** سازماندهی و حمایت از گروه‌های تروریستی برای انجام عملیات خرابکارانه در داخل کشور و ایجاد ناامنی.
- **جنگ نرم و عملیات روانی:** تلاش برای تضعیف روحیه ملی، ایجاد تفرقه، خدشه‌دار کردن اعتماد عمومی نسبت به نظام، و ترویج ایدئولوژی‌های بیگانه از طریق ابزارهای رسانه‌ای و فرهنگی.

### ۳. تهدیدات اقتصادی:

- **تحریم‌های اقتصادی:** اعمال تحریم‌های گسترده و فلج‌کننده از سوی قدرت‌های جهانی (مانند تحریم‌های نفتی، بانکی، و تجاری) با هدف فشار حداکثری بر اقتصاد کشور، کاهش درآمدهای دولت، و ایجاد نارضایتی عمومی.
- **جنگ ارزی و اقتصادی:** تلاش برای ایجاد نوسانات شدید در نرخ ارز، کنترل ذخایر ارزی، و ضربه زدن به نظام پولی و بانکی کشور.
- **قطع دسترسی به بازارهای جهانی:** محدود کردن دسترسی ایران به بازارهای بین‌المللی برای فروش محصولات و واردات کالاهای اساسی.

#### ۳.۱.۲. تهدیدات داخلی:

این دسته از تهدیدات از درون جامعه و نظام نشأت گرفته و مشروعیت، انسجام، و کارآمدی نظام حکمرانی را به چالش می‌کشند.

#### ۱. تهدیدات اجتماعی:

- **شکاف‌های اجتماعی:** تشدید شکاف‌های قومی، مذهبی، طبقاتی، و نسلی که می‌تواند منجر به تنش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی شود.
- **بحران هویت:** تضعیف هویت ملی و فرهنگی در مواجهه با تأثیرات فرهنگی خارجی یا نارضایتی‌های داخلی.
- **افزایش جرم و جنایت:** بالا رفتن نرخ جرم، اعتیاد، و فساد اجتماعی که نشان‌دهنده ضعف در انسجام اجتماعی و حکمرانی است.
- **مهاجرت و فرار مغزها:** خروج گسترده نخبگان و متخصصان از کشور که توانایی‌ها و پتانسیل‌های توسعه‌ای را تضعیف می‌کند.

#### ۲. تهدیدات سیاسی:

- **کاهش مشروعیت سیاسی:** عدم مقبولیت سیاست‌ها و رهبری نظام در میان بخش قابل توجهی از جامعه، که ناشی از نارضایتی‌های سیاسی، اقتصادی، یا اجتماعی است.

- **بی ثباتی سیاسی:** تضعیف نهادهای سیاسی، رقابت‌های ناسالم جناحی، و عدم اجماع بر سر سیاست‌های کلان که می‌تواند به بی ثباتی منجر شود.
  - **مخالفت‌های سازمان‌یافته:** شکل‌گیری و فعالیت گروه‌ها و جریان‌های مخالف سیاسی که به دنبال تغییر بنیادین نظام یا تجزیه کشور هستند.
  - **فساد سیاسی:** فساد در سطوح بالای مدیریتی و سیاسی که اعتماد عمومی را به شدت از بین می‌برد و کارآمدی نظام را مختل می‌کند.
- ۳. تهدیدات اقتصادی (داخلی):**
- **رکود اقتصادی و تورم مزمن:** مشکلات ساختاری در اقتصاد مانند وابستگی شدید به نفت، ناکارآمدی در مدیریت منابع، و تورم بالا که معیشت مردم را تحت فشار قرار می‌دهد.
  - **نابرابری اقتصادی و فقر:** تشدید شکاف طبقاتی و گسترش فقر که زمینه‌ساز نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود.
  - **بیکاری گسترده:** عدم توانایی نظام اقتصادی در ایجاد اشتغال کافی برای جمعیت فعال، به ویژه جوانان.
  - **سوءمدیریت منابع و ناکارآمدی اقتصادی:** تصمیم‌گیری‌های نادرست در حوزه اقتصادی، عدم اجرای صحیح برنامه‌ها، و ناکارآمدی نهادهای اقتصادی.
- این طبقه‌بندی، چارچوبی برای درک بهتر دامنه و ماهیت تهدیداتی که نظام حکمرانی ایران با آن‌ها روبروست، فراهم می‌کند. در بخش بعدی، به این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه **اعتماد عمومی** می‌تواند به عنوان یک سپر دفاعی و موتور محرکه تاب‌آوری در برابر این تهدیدات عمل کند.
- ۳.۲. مکانیسم‌های تأثیر اعتماد عمومی بر تاب‌آوری در شرایط تهدید:**
- اعتماد عمومی به عنوان یک سرمایه اجتماعی ارزشمند، نقش حیاتی در تقویت تاب‌آوری نظام حکمرانی و جامعه در برابر انواع تهدیدات ایفا می‌کند. این تأثیر از طریق سازوکارهای مختلفی صورت می‌گیرد که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شوند:

### ۳.۲.۱. انسجام ملی و همبستگی اجتماعی:

انسجام ملی به احساس تعلق مشترک، همبستگی، و وحدت در میان شهروندان یک کشور، فارغ از تفاوت‌های قومی، مذهبی، یا سیاسی اشاره دارد. اعتماد عمومی، به ویژه اعتماد به نهادهای اصلی حکمرانی و همچنین اعتماد متقابل میان شهروندان، سنگ بنای این انسجام است.

- **کاهش شکاف‌های داخلی:** زمانی که شهروندان به یکدیگر و به نهادهای حاکمیتی اعتماد دارند، تمایل کمتری به دامن زدن به اختلافات داخلی و فرقه‌گرایی نشان می‌دهند. این امر باعث می‌شود که جامعه در برابر تلاش‌های خارجی برای ایجاد تفرقه، مقاوم‌تر باشد.
- **افزایش وفاداری به نظام:** اعتماد عمومی بالا، حس وفاداری شهروندان به کشور و نظام حکمرانی را تقویت می‌کند. در شرایط تهدید خارجی، این وفاداری به معنای آمادگی بیشتر برای دفاع از منافع ملی و حمایت از سیاست‌های حاکمیت است.
- **تقویت روحیه مقاومت جمعی:** در مواجهه با فشارهای خارجی (مانند تحریم‌های اقتصادی یا تهدیدات نظامی)، انسجام اجتماعی بالا که ناشی از اعتماد است، به جامعه کمک می‌کند تا با تحمل سختی‌ها و مقاومت جمعی، از فروپاشی جلوگیری کند. به عبارت دیگر، مردم حاضرند هزینه‌هایی را برای حفظ استقلال و امنیت ملی بپذیرند.

### ۳.۲.۲. مشروعیت و پذیرش سیاست‌ها:

مشروعیت سیاسی به پذیرش حق حاکمیت و اقتدار دولت از سوی مردم اشاره دارد. اعتماد عمومی، یکی از مهم‌ترین پایه‌های مشروعیت است؛ زمانی که مردم به صداقت، عدالت، و کارآمدی رهبران و نهادها اعتماد دارند، تصمیمات آن‌ها را نیز بیشتر می‌پذیرند.

- **همکاری در اجرای سیاست‌ها:** در شرایط بحرانی (مانند شیوع بیماری همه‌گیر، بلایای طبیعی، یا وضعیت جنگی)، دولت نیاز به اجرای سریع و قاطع سیاست‌های خاصی دارد. اگر اعتماد عمومی بالا باشد، شهروندان احتمالاً این سیاست‌ها را (حتی اگر دشوار باشند) بهتر می‌پذیرند و با آن همکاری می‌کنند.

- **کاهش مقاومت در برابر تصمیمات سخت:** تصمیمات سختگیرانه مانند جیره‌بندی، قرنطینه، یا افزایش مالیات در شرایط اضطراری، در صورت وجود اعتماد عمومی، با مقاومت کمتری روبرو می‌شوند.

- **افزایش کارآمدی حکمرانی:** زمانی که مردم به دولت اعتماد دارند، همکاری آن‌ها با نهادهای دولتی افزایش یافته و این امر به بهبود کارآمدی در مدیریت بحران و اجرای سیاست‌ها منجر می‌شود.

### ۳.۲.۳. مشارکت فعال شهروندان:

مشارکت فعال شهروندان به حضور داوطلبانه و مؤثر مردم در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، به ویژه در مواقعی که نیاز به اقدام جمعی وجود دارد، اشاره دارد.

- **همکاری در حفاظت از امنیت:** در شرایط تهدید امنیتی، اعتماد عمومی می‌تواند منجر به همکاری شهروندان با نیروهای امنیتی از طریق ارائه اطلاعات، گزارش فعالیت‌های مشکوک، و خودداری از انتشار اطلاعات حساس شود.

- **مشارکت در مدیریت بحران:** در بلایای طبیعی یا بحران‌های دیگر، شهروندانی که به نهادهای امدادی و دولتی اعتماد دارند، با شور و شوق بیشتری در فعالیت‌های داوطلبانه، کمک‌رسانی، و پیروی از دستورالعمل‌های مدیریت بحران مشارکت می‌کنند.

- **تقویت توان دفاعی:** در سطح کلان‌تر، اعتماد عمومی می‌تواند به بسیج عمومی و مشارکت گسترده‌تر مردم در برنامه‌های دفاعی و امنیتی، چه در دوران صلح و چه در زمان جنگ، کمک کند.

### ۳.۲.۴. مدیریت اطلاعات و اخبار:

توانایی نظام حکمرانی و جامعه در مدیریت جریان اطلاعات، تشخیص اخبار صحیح از نادرست، و مقابله با تلاش‌های دشمن برای انتشار اطلاعات گمراه‌کننده یا ایجاد وحشت.

- **مقابله با اطلاعات نادرست:** در دوران بحران، دشمنان (داخلی یا خارجی) اغلب با انتشار شایعات و اخبار جعلی سعی در ایجاد وحشت، تفرقه، و بی‌اعتمادی دارند. جامعه‌ای که به

نهادهای رسمی و رسانه‌های معتبر خود اعتماد دارد، کمتر تحت تأثیر این اطلاعات نادرست قرار می‌گیرد و اطلاعات صحیح را از منابع قابل اعتماد پیگیری می‌کند.

- **تقویت روایت ملی:** اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی، به آن‌ها کمک می‌کند تا روایت ملی قوی و مستند از وقایع داشته باشند و در برابر روایت‌های تخریبی دشمن مقاومت کنند.
- **پیشگیری از اضطراب و هراس جمعی:** شایعات و اطلاعات نادرست می‌توانند منجر به اضطراب و هراس گسترده شوند. اعتماد به منابع رسمی، به حفظ آرامش نسبی جامعه کمک می‌کند.

### ۳.۲.۵. تاب‌آوری اقتصادی:

توانایی اقتصاد یک کشور و شهروندان آن در جذب، تحمل، و بازیابی از شوک‌های اقتصادی خارجی (مانند تحریم‌ها) یا داخلی (مانند بحران‌های مالی).

- **پذیرش سیاست‌های انقباضی:** در شرایطی که تحریم‌های اقتصادی یا بحران‌های مالی، دولت را مجبور به اجرای سیاست‌های سختگیرانه اقتصادی (مانند سهمیه‌بندی، افزایش قیمت‌ها، یا کاهش یارانه‌ها) می‌کند، اعتماد عمومی بالا باعث می‌شود مردم این سیاست‌ها را به عنوان اقدامات ضروری برای حفظ بقا و منافع بلندمدت کشور بپذیرند.
  - **کاهش رفتارهای مخرب اقتصادی:** در صورت وجود اعتماد، مردم کمتر به سمت ذخیره‌سازی بی‌رویه کالا، سفته‌بازی ارزی، یا خروج سرمایه روی می‌آورند، زیرا به ثبات نسبی آینده و مدیریت صحیح بحران توسط حاکمیت امیدوارند.
  - **تقویت روحیه کار و تلاش:** اعتماد به آینده اقتصادی و تلاش‌های دولت برای بهبود شرایط، می‌تواند روحیه کار و تلاش را در جامعه زنده نگه دارد و از افت شدید تولید و بهره‌وری جلوگیری کند.
- این مکانیسم‌ها نشان می‌دهند که اعتماد عمومی صرفاً یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه یک نیروی کارآمد و ملموس است که می‌تواند تاب‌آوری یک جامعه و نظام را در برابر انواع تهدیدات به طور چشمگیری افزایش دهد.

### ۳.۳. مطالعه موردی بررسی تجارب ایران در دوره‌های حساس و تحلیل نقش اعتماد عمومی در تاب آوری آن دوران:

در این بخش، به بررسی دو دوره حساس تاریخ معاصر ایران، یعنی دفاع مقدس (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و تحریم‌های شدید اقتصادی پس از سال ۲۰۱۰ می‌پردازیم. هدف از این مطالعه موردی تجزیه و تحلیل نقش اعتماد عمومی در افزایش تاب آوری جامعه و نظام حکمرانی در برابر تهدیدات و چالش‌های داخلی و خارجی است.

#### ۳.۳.۱. دفاع مقدس (۱۹۸۰-۱۹۸۸):

در دوران دفاع مقدس، که از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ میان ایران و عراق جریان داشت، ملت ایران با وجود فشارهای سنگین نظامی، اقتصادی و اجتماعی، توانستند به واسطه‌ی اعتماد عمومی، بنیان‌های استقامت و همبستگی ملی را تحکیم کنند. در روزهای نخست جنگ، جامعه ایران با سرعتی بی‌سابقه به صحنه آمد؛ مردم داوطلبانه در قالب بسیج عمومی به دفاع از کشور پرداختند و نشان دادند که میان ملت و نظام سیاسی رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد شکل گرفته است. این اعتماد متقابل، زمینه‌ساز همکاری گسترده اقشار مختلف و تقویت روحیه جمعی در برابر دشمن شد. در همین چارچوب، پذیرش تصمیمات دشوار حاکمیت، از جمله بسیج نیروها و تأمین منابع برای جبهه‌ها، کارآمدی نهادهایی چون سپاه پاسداران و سایر ارکان دفاعی کشور بود. تبلیغات هدفمند، آگاهی‌رسانی دقیق و برجسته‌سازی ارزش‌های ایثار و مقاومت نیز موجب شد اعتماد به حاکمیت و مشروعیت تصمیمات آن تقویت شود.

از سوی دیگر، مشارکت عمومی گسترده در قالب کمک‌های مالی، برپایی مراسمات مردمی، و حضور مستقیم در جبهه‌ها به پویایی اجتماعی و احساس مسئولیت همگانی در دفاع از میهن انجامید. رسانه‌های رسمی در این میان نقشی اساسی ایفا کردند؛ با مدیریت مؤثر اطلاعات و ارائه روایت‌های امیدبخش از جبهه‌ها، افکار عمومی را در مسیر پایداری و مقاومت هدایت کردند. در نتیجه، اعتماد مردم به روایت‌های رسمی و بی‌اعتنایی به شایعات، موجب انسجام بیشتر جامعه شد.

به طور کلی، اعتماد عمومی در دوران دفاع مقدس نه تنها سرمایه‌ای اجتماعی برای بقا و پیروزی بود، بلکه به تقویت هویت ملی، انسجام اجتماعی و تاب‌آوری نظام حکمرانی منجر شد؛ سرمایه‌ای که بعدها نیز به عنوان پشتوانه‌ای اساسی برای عبور از دیگر بحران‌های ملی مورد استفاده قرار گرفت.

### ۳.۳.۲. تحریم‌های شدید اقتصادی (پس از سال ۲۰۱۰):

تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه از سال ۲۰۱۰، ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرد و بسیاری از فعالیت‌های تولیدی، تجاری و مالی کشور را تحت تأثیر قرار داد. در چنین شرایطی، اعتماد عمومی نقشی حیاتی در حفظ انسجام ملی و تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی ایفا کرد. در دوران فشارهای سنگین ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و نوسانات ارزی، سطح اعتماد مردم به سیاست‌های دولت، تعیین‌کننده میزان موفقیت برنامه‌های اقتصادی و مدیریتی بود. هنگامی که شهروندان به تصمیمات دولت در زمینه‌هایی مانند جیره‌بندی و تأمین کالاهای اساسی اعتماد نشان دادند، این سیاست‌ها با همکاری و پذیرش اجتماعی بیشتری اجرا شد و از بروز نارضایتی‌های گسترده جلوگیری گردید.

در کنار آن، اعتماد به رسانه‌ها و نهادهای رسمی در مقابله با جنگ روانی و انتشار شایعات اقتصادی و سیاسی نقش اساسی داشت. در شرایطی که اخبار جعلی می‌توانست موجب رفتارهای هیجانی و بی‌ثباتی روانی جامعه شود، اتکای مردم به منابع معتبر و باور به نیت مثبت اقدامات حکومتی سبب شد تا ثبات روانی و اجتماعی حفظ شود. این اعتماد عمومی موجب شد مردم با تکیه بر همبستگی اجتماعی و امید جمعی، در برابر اثرات منفی بحران‌ها مقاومت بیشتری نشان دهند.

از سوی دیگر، اعتماد به توانایی‌های اقتصاد ملی و عملکرد دولت زمینه‌ساز افزایش تاب‌آوری اقتصادی شد. هنگامی که جامعه به ظرفیت‌های داخلی باور داشت، میل به حفظ سرمایه در کشور، کارآفرینی و تولید ملی افزایش یافت. بدین ترتیب، اعتماد عمومی به صورت مستقیم در جلوگیری از فرار سرمایه، حفظ نیروی انسانی متخصص، و استمرار فعالیت‌های اقتصادی مؤثر

بود. سرمایه‌گذاران داخلی و نخبگان اقتصادی نیز با احساس مسئولیت جمعی نسبت به توسعه پایدار کشور، نقش فعال‌تری در اقتصاد ملی ایفا کردند.

مطالعه تجربه‌های تاریخی ایران، به‌ویژه دوران دفاع مقدس و سال‌های تشدید تحریم‌ها، نشان می‌دهد که اعتماد عمومی نه تنها یک عامل روانی یا اجتماعی، بلکه زیربنای واقعی تاب‌آوری ملی است. این اعتماد موجب شکل‌گیری انسجام اجتماعی، تسهیل پذیرش سیاست‌های کلان، و مشارکت داوطلبانه شهروندان در تمامی سطوح حکمرانی می‌شود. بنابراین، مدیریت موفق بحران‌ها و عبور از چالش‌های بزرگ، در گرو سطح اعتماد مردم به نهادهای حاکمیتی و رهبران سیاسی است؛ عاملی که در تجربه ایران، کلید اصلی دوام و پایداری نظام در شرایط فشار خارجی و شوک‌های داخلی بوده است.

**بخش چهارم:**

**چالش‌ها و موانع تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در ایران**

#### ۴.۱. چالش‌های مرتبط با عملکرد نهادی:

عملکرد نهادهای حکومتی و عمومی نقش بنیادینی در شکل‌گیری یا تضعیف اعتماد عمومی ایفا می‌کند. در ایران، برخی از چالش‌های نهادی که به طور مداوم بر اعتماد عمومی تأثیر منفی گذاشته‌اند عبارتند از:

##### ۴.۱.۱. عدم شفافیت:

یکی از عوامل کلیدی تضعیف‌کننده اعتماد عمومی در نظام حکمرانی است. این مفهوم به فقدان دسترسی آزاد و کامل شهروندان به اطلاعات مرتبط با فرآیندهای تصمیم‌گیری، نحوه تخصیص بودجه، عملکرد نهادهای دولتی و نتایج پروژه‌های عمومی اشاره دارد. در وضعیتی که مردم از جریان واقعی امور مطلع نباشند، ارتباط دولت و جامعه با نوعی شکاف اطلاعاتی مواجه می‌شود که به تدریج زمینه‌ساز بی‌اعتمادی، شایعه‌پراکنی و برداشت‌های غلط از واقعیت می‌گردد.

نبود شفافیت، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی، مالی و قراردادهای بزرگ دولتی، ذهنیت عمومی را به سمت این تصور سوق می‌دهد که تصمیمات در پشت صحنه و بدون نظارت عمومی اتخاذ می‌شوند. چنین وضعیتی نه تنها اعتماد شهروندان به صداقت و پاکدستی نهادهای مسئول را کاهش می‌دهد، بلکه باعث توسعه گفتمان‌های غیررسمی و گسترش نگرانی‌های جمعی می‌شود. مردم در مواجهه با نبود اطلاعات دقیق، به منابع غیررسمی و شایعات متوسل می‌شوند و همین امر می‌تواند احساس بی‌عدالتی، ضعف نظارت و فساد اداری را در ذهن اجتماعی تقویت کند.

در واقع، شفافیت یکی از پایه‌های اصلی مشروعیت و تاب‌آوری حکمرانی است؛ زیرا تنها در سایه دسترسی آزاد به اطلاعات، امکان نظارت مدنی، پاسخگویی مسئولان، و شکل‌گیری اعتماد پایدار بین دولت و جامعه فراهم می‌شود. هرچه میزان شفافیت بیشتر باشد، احتمال شکل‌گیری سوءظن و احساس فاصله میان مردم و نهادهای قدرت کمتر خواهد بود، و در نتیجه اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی تقویت شده و نظام حکمرانی از درون مقاوم‌تر و پایدارتر عمل خواهد کرد.

##### ۴.۱.۲. فساد:

فساد به عنوان سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی در اشکال گوناگونی چون رشوه، اختلاس و رانت‌خواری نمود پیدا می‌کند. این پدیده یکی از عوامل اصلی تضعیف اعتماد عمومی

به شمار می‌رود، به ویژه زمانی که در سطوح بالای مدیریتی گسترش یابد. مشاهده رفتارهای فسادآلود از سوی مسئولان باعث می‌شود شهروندان احساس کنند منافع عمومی قربانی منافع شخصی یا گروه‌های خاص شده است. چنین شرایطی حس بی‌عدالتی، سرخوردگی و بی‌اعتمادی را در میان مردم تقویت می‌کند و در نتیجه، سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام حکمرانی به طور جدی آسیب می‌بیند. بنابراین، مبارزه مؤثر با فساد نه تنها ضرورتی اخلاقی و قانونی، بلکه پیش‌شرطی بنیادین برای بازسازی و تقویت اعتماد عمومی محسوب می‌شود.

### ۴.۱.۳. ناکارآمدی:

ناکارآمدی نهادها، که به معنای ناتوانی آن‌ها در ارائه خدمات عمومی با کیفیت، حل مشکلات شهروندان و تحقق وعده‌ها تعریف می‌شود، تأثیر عمیقی بر اعتماد عمومی دارد. هنگامی که شهروندان به طور مداوم با نقص در ارائه خدمات اساسی مانند بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل یا ایجاد فرصت‌های شغلی مواجه می‌شوند، توانایی و تعهد نهادهای دولتی در خدمت‌رسانی زیر سوال می‌رود. تکرار این تجربیات منفی، به تدریج منجر به بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی نسبت به توانایی دستگاه‌های اجرایی در رفع نیازها و حل مشکلات جامعه می‌شود و این خود، سستی سرمایه اجتماعی را به همراه دارد.

### ۴.۱.۴. تبعیض:

تبعیض، به معنای رفتار ناعادلانه و متفاوت با افراد یا گروه‌ها بر اساس معیارهایی چون قومیت، مذهب، جنسیت، موقعیت اجتماعی-اقتصادی یا وابستگی‌های سیاسی، حس عمیقی از بی‌عدالتی را در میان گروه‌های هدف ایجاد می‌کند. این تجربه تلخ، اعتماد آن‌ها را نسبت به نظام و نهادهای حاکمیتی از بین می‌برد. تشدید این شکاف‌ها و بی‌اعتمادی می‌تواند انسجام ملی را به طور جدی تضعیف کرده و منجر به از هم گسیختگی اجتماعی شود. لذا، برقراری عدالت و رفتار برابر با همه شهروندان، اصلی اساسی برای حفظ اعتماد عمومی و تقویت همبستگی ملی است.

### ۴.۲. چالش‌های اقتصادی:

شرایط اقتصادی نامطلوب، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اعتماد عمومی تأثیر می‌گذارد و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد:

#### ۴.۲.۱. فقر و بیکاری:

فقر و بیکاری، که به معنای عدم توانایی بخش قابل توجهی از جامعه در تأمین نیازهای اولیه زندگی و فقدان فرصت‌های شغلی مناسب است، احساس ناامیدی، سرخوردگی و نابرابری را در جامعه تشدید می‌کند. هنگامی که شهروندان شاهد ناتوانی نظام اقتصادی در ایجاد رفاه نسبی برای آنان هستند، اعتمادشان به کارآمدی و عدالت نظام اقتصادی و سیاسی به طور چشمگیری کاهش می‌یابد، چرا که این وضعیت، ناتوانی نظام در تحقق وعده‌های اساسی خود را نمایان می‌سازد.

#### ۴.۲.۲. تورم و نوسانات اقتصادی:

تورم و نوسانات اقتصادی، که با افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها و بی‌ثباتی در ارزش پول ملی و بازارهای اقتصادی شناخته می‌شود، قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داده و برنامه‌ریزی اقتصادی خانواده‌ها را مختل می‌کند. این وضعیت، حس ناامنی اقتصادی را افزایش داده و منجر به بی‌اعتمادی به مدیریت اقتصادی دولت می‌گردد، زیرا ثبات اقتصادی یکی از پایه‌های اصلی اعتماد عمومی به نظام حکمرانی است.

#### ۴.۲.۳. نابرابری اقتصادی:

توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، که در آن بخش کوچکی از جامعه سهم بزرگی از منابع را در اختیار دارد، این تصور را ایجاد می‌کند که نظام اقتصادی و سیاسی به نفع گروه‌های خاصی عمل می‌کند. این وضعیت منجر به شکاف طبقاتی عمیق‌تر، احساس محرومیت و کاهش اعتماد به عدالت اجتماعی می‌شود، زیرا شهروندان این نابرابری را نشانه‌ای از عدم اجرای عدالت در جامعه تلقی می‌کنند.

#### ۴.۳. چالش‌های فرهنگی و رسانه‌ای:

عوامل فرهنگی و نحوه دسترسی و مصرف رسانه‌ها نیز نقش مهمی در شکل‌گیری یا تضعیف اعتماد عمومی دارند:

#### ۴.۳.۱. شکاف نسلی:

شکاف نسلی، که تفاوت در ارزش‌ها، باورها، انتظارات و شیوه‌های ارتباطی بین نسل‌های مختلف،

به‌ویژه نسل جوان و نسل‌های پیشین را شامل می‌شود، می‌تواند منجر به درک متقابل کمتر و ایجاد سوء تفاهم گردد. نسل جوان، با دسترسی بیشتر به فناوری‌ها و فضاهای ارتباطی نوین، ممکن است رویکردی انتقادی‌تر نسبت به نهادها و روایت‌های سنتی داشته باشد، که این امر می‌تواند به تضعیف اعتماد به نهادهای قدیمی‌تر بیانجامد.

### ۴.۳.۲. تأثیر رسانه‌های بیگانه و شبکه‌های اجتماعی:

گسترش اطلاعات و روایت‌های خبری از منابع خارجی که ممکن است اهداف مغرضانه‌ای داشته باشند، همراه با سرعت و گستردگی انتشار اطلاعات (صحیح و غلط) در شبکه‌های اجتماعی، تأثیر قابل توجهی بر اعتماد عمومی دارد. رسانه‌های بیگانه و برخی محتواهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، اغلب با هدف تخریب وجهه نظام، انتشار اطلاعات نادرست و ایجاد دوقطبی‌های کاذب عمل می‌کنند. فقدان سواد رسانه‌ای کافی و اعتماد بیش از حد به این منابع، می‌تواند منجر به کاهش اعتماد به نهادها و رسانه‌های داخلی شود.

### ۴.۳.۳. محدودیت‌های ارتباطی:

اعمال محدودیت بر آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و فضای گفتگوی عمومی، که از آن به عنوان «محدودیت‌های ارتباطی» یاد می‌شود، می‌تواند تأثیرات منفی عمیقی بر اعتماد عمومی داشته باشد. هنگامی که شهروندان احساس کنند که قادر به بیان آزادانه دیدگاه‌ها و انتقادات خود نیستند، یا دسترسی کافی به اطلاعات مورد نیازشان ندارند، احساس سرکوب و بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای مسئول در آن‌ها تقویت می‌شود. این محدودیت‌ها، فضای لازم برای حل و فصل مشکلات و اعتمادسازی را از بین می‌برد و به طور کلی، سرمایه اجتماعی را تحلیل می‌برد.

### ۴.۴. تأثیرات منفی بحران‌ها و تهدیدات بر اعتماد عمومی:

خود بحران‌ها و تهدیدات (چه داخلی و چه خارجی) می‌توانند به طور مستقیم بر اعتماد عمومی تأثیر بگذارند:

#### ۴.۴.۱. عدم مدیریت مؤثر بحران:

ناکامی نهادها در پاسخگویی سریع، مؤثر و عادلانه به بحران‌ها (مانند بلایای طبیعی، شیوع بیماری‌ها یا شوک‌های اقتصادی)، که به عنوان «عدم مدیریت مؤثر بحران» شناخته می‌شود، به

شدت اعتماد مردم را نسبت به توانایی و آمادگی نهادهای حکومتی خدشه‌دار می‌کند. تجربه ضعف در مدیریت بحران، از جمله احساس رهاشدگی یا ناتوانی دولت در محافظت از شهروندان، اعتماد عمومی را از بین می‌برد.

#### ۴.۴.۲. برداشت از ضعف یا ناکامی در برابر تهدیدات خارجی:

برداشت عمومی مبنی بر اینکه کشور در برابر تهدیدات خارجی (مانند فشار نظامی، اقتصادی، یا امنیتی) ضعیف عمل کرده است، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی نسبت به رهبری و توانایی‌های نظام شود. این احساس، که ناشی از عدم دفاع مؤثر حاکمیت از منافع ملی در برابر این تهدیدات است، اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد.

#### ۴.۴.۳. ایجاد جو ترس و ناامنی:

افزایش دائمی احساس ترس، ناامنی و اضطراب در جامعه به دلیل وجود تهدیدات مداوم، که «ایجاد جو ترس و ناامنی» نامیده می‌شود، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی مردم نسبت به نهادهای مسئول ایجاد امنیت شود. در چنین شرایطی، شهروندان ممکن است به دنبال راه‌حل‌های غیررسمی و جایگزین برای تأمین امنیت خود باشند که این امر به تضعیف سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

این بخش، تصویر روشنی از موانع موجود بر سر راه تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در ایران ارائه می‌دهد. شناخت این چالش‌ها، گام اول برای یافتن راه‌حل‌های مؤثر و عملی خواهد بود.

**بخش پنجم:**

**راهنما و پیشنهادات عملیاتی برای تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی**

تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی نیازمند اتخاذ راهبردهای جامع و اجرای عملیاتی برنامه‌هایی است که به طور همزمان به چالش‌های شناسایی شده در بخش پیشین پاسخ دهد. در این بخش، مجموعه‌ای از پیشنهادات کلیدی در سطوح مختلف حکمرانی و جامعه ارائه می‌شود:

## ۵.۱. ارتقاء شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در نظام حکمرانی:

### ۵.۱.۱. شفافیت حداکثری:

اصل شفافیت حداکثری به منزله‌ی ستون بنیادین حکمرانی پاسخ‌گو و اعتمادساز، بر دسترسی آزاد و عمومی شهروندان به اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های دولت تأکید دارد. اجرای این اصل از طریق انتشار داده‌های مربوط به بودجه‌ریزی، قراردادهای پروژه‌های عمرانی، سازوکارهای تصمیم‌گیری و نتایج ارزیابی عملکرد نهادها، امکان نظارت عمومی و تحلیل مستقل را فراهم می‌سازد. ایجاد درگاه‌های اطلاعاتی شفاف و قابل دسترس نه تنها مانع شکل‌گیری سوءظن و ابهام می‌شود، بلکه حس مشارکت آگاهانه شهروندان در فرایندهای حکمرانی را تقویت کرده و موجب افزایش اعتماد جمعی به نظام تصمیم‌گیری می‌گردد.

### ۵.۱.۲. پاسخگویی مؤثر:

اصل پاسخ‌گویی نهادی بر ضرورت مسئولیت‌پذیری مدیران و سازمان‌ها در برابر عملکرد و تصمیمات خود تأکید دارد. تحقق این اصل مستلزم ایجاد سازوکارهای شفاف برای ارزیابی و گزارش‌دهی منظم به مردم و نهادهای نظارتی همچون مجلس است. همچنین، فراهم‌سازی مسیرهای روشن و در دسترس برای شکایت، نظارت و رسیدگی به تخلفات به شهروندان این اطمینان را می‌دهد که صدای آنان شنیده می‌شود و نظام حکمرانی نسبت به مطالبات عمومی حساس است. در نتیجه، پاسخ‌گویی مؤثر موجب افزایش اعتماد اجتماعی، کاهش فساد، و تقویت مشروعیت تصمیم‌گیری‌ها می‌گردد.

### ۵.۱.۳. حاکمیت قانون:

اصل حاکمیت قانون به عنوان پایه‌ی عدالت و ثبات در حکمرانی، بر اجرای بی‌طرفانه و یکسان قوانین برای همه افراد و نهادها تأکید دارد. تحقق این اصل نیازمند استقلال واقعی قوه قضائیه و برخورد قاطع با هرگونه فساد، رانت‌خواری و تخلف در سطوح مختلف قدرت است. چنین

سازوکاری بستر حقوقی عادلانه، شفاف و قابل پیش‌بینی را ایجاد می‌کند که در آن شهروندان از امنیت حقوقی و احساس برابری برخوردارند و اعتماد به نظام حکمرانی تقویت می‌شود.

## **۵.۲. اولویت‌بخشی به عدالت اقتصادی و اجتماعی و رفع تبعیض‌ها:**

### **۵.۲.۱. عدالت اقتصادی:**

اصل عدالت اقتصادی به معنای ایجاد توزیعی عادلانه از منابع، فرصت‌ها و ثروت در جامعه است. اقدامات عملی در این راستا شامل سیاست‌گذاری مالیاتی منصفانه، حمایت هدفمند از گروه‌های کم‌برخوردار، تلاش برای ریشه‌کن کردن فقر مطلق، ایجاد اشتغال پایدار و کنترل پایدار تورم می‌شود. هدف نهایی این رویکرد، کاهش نابرابری‌های اقتصادی، تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد حس امید و رضایت عمومی از طریق تضمین فرصت‌های برابر و دسترسی عادلانه به منافع اقتصادی است.

### **۵.۲.۲. عدالت اجتماعی:**

اصل عدالت اجتماعی بر رفع هرگونه تبعیض ناروا، اعم از تبعیض‌های قومی، جنسیتی، مذهبی و اجتماعی، در تمامی سطوح قوانین و رویه‌های اجرایی تأکید دارد. این اصل تضمین‌کننده دسترسی برابر و عادلانه همه‌ی شهروندان به فرصت‌های حیاتی مانند آموزش، بهداشت و اشتغال است. هدف غایی تحقق عدالت اجتماعی، ساختن جامعه‌ای فراگیر و منسجم است که در آن هر فرد، فارغ از پیشینه‌ی خود، احساس ارزش، تعلق و کرامت انسانی داشته باشد.

## **۵.۳. تقویت ارتباط مؤثر و صادقانه حکومت با مردم:**

### **۵.۳.۱. مدیریت افکار عمومی و اطلاع‌رسانی شفاف:**

اصل عدالت اجتماعی بر رفع هرگونه تبعیض ناروا، اعم از تبعیض‌های قومی، جنسیتی، مذهبی و اجتماعی، در تمامی سطوح قوانین و رویه‌های اجرایی تأکید دارد. این اصل تضمین‌کننده دسترسی برابر و عادلانه همه‌ی شهروندان به فرصت‌های حیاتی مانند آموزش، بهداشت و اشتغال است. هدف غایی تحقق عدالت اجتماعی، ساختن جامعه‌ای فراگیر و منسجم است که در آن هر فرد، فارغ از پیشینه‌ی خود، احساس ارزش، تعلق و کرامت انسانی داشته باشد.

### ۵.۳.۲. گفتگوی مستمر و شنیدن صدای مردم:

اصل گفتگوی مستمر و شنیدن صدای مردم بر اهمیت ایجاد فضاهای امن و سازنده برای بیان دیدگاه‌ها و انتقادات شهروندان تأکید دارد. این اصل شامل برگزاری جلسات منظم با اقشار مختلف جامعه و بهره‌گیری از ابزارهای نظرسنجی و تحقیقات اجتماعی برای درک عمیق‌تر افکار عمومی است. هدف نهایی از این اقدامات، نمایش احترام به کرامت و دیدگاه‌های شهروندان و تلاش فعالانه برای درک نیازها، دغدغه‌ها و انتظارات آن‌ها است.

### ۵.۴. توانمندسازی جامعه مدنی و تشکل‌های مردمی:

#### ۵.۴.۱. حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها):

اصل حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) بر تسهیل فرآیندهای قانونی برای تأسیس و فعالیت آن‌ها، فراهم کردن حمایت‌های مالی و فنی لازم (با رعایت اصل بی‌طرفی) و تشویق همکاری میان دولت و این سازمان‌ها در اجرای پروژه‌های اجتماعی تأکید دارد. هدف از این رویکرد، افزایش سطح مشارکت فعالانه شهروندان در حل مسائل اجتماعی، تقویت خودباوری در سطح جمعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی غیردولتی و مردمی است.

#### ۵.۴.۲. ترویج فرهنگ مشارکت داوطلبانه:

اصل ترویج فرهنگ مشارکت داوطلبانه بر اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی با هدف تشویق شهروندان به فعالیت‌های داوطلبانه و همچنین تقدیر از فعالان مدنی و معرفی تجربیات موفق در این زمینه تأکید دارد. هدف غایی این اصل، نهادهای مشارکت اجتماعی به عنوان یک ارزش بنیادین و محوری در تار و پود جامعه است.

### ۵.۵. بهبود مستمر کیفیت خدمات عمومی و کارآمدی نهادها:

#### ۵.۵.۱. بهبود کیفیت خدمات:

اصل بهبود کیفیت خدمات بر لزوم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی متخصص و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در تمامی حوزه‌های خدماتی از جمله بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل و انرژی تأکید دارد. هدف اصلی این اصل، جلب رضایت حداکثری شهروندان و نمایش کارآمدی و توانمندی نظام در برآورده کردن نیازهای اساسی آنان است.

## ۵.۵.۲. افزایش کارآمدی نهادها:

اصل افزایش کارآمدی نهادها بر بازنگری فرآیندهای اداری به منظور کاهش بوروکراسی و تسهیل امور، ارزیابی مستمر عملکرد نهادها و مدیران، و همچنین تشویق نوآوری و خلاقیت در ارائه خدمات تأکید دارد. هدف نهایی این اصل، ایجاد سیستمی چابک، پاسخگو و مؤثر است که بتواند به بهترین شکل به شهروندان خدمت‌رسانی کند.

## ۵.۶. سیاست‌گذاری رسانه‌ای هوشمند و مقابله فعال با اطلاعات نادرست:

### ۵.۶.۱. سیاست‌گذاری رسانه‌ای:

اصل سیاست‌گذاری رسانه‌ای شامل ترویج سواد رسانه‌ای در جامعه، حمایت از رسانه‌های مستقل و حرفه‌ای، و تدوین چارچوب‌های اخلاقی برای تولید و انتشار محتوا است. هدف این اصل، ایجاد جامعه‌ای آگاه و مجهز به توانایی تشخیص اطلاعات صحیح از نادرست می‌باشد.

### ۵.۶.۲. مقابله با اطلاعات نادرست (Fake News):

اصل مقابله با اطلاعات نادرست (Fake News) بر شناسایی سریع و شفاف‌سازی اطلاعات نادرست، ارائه روایت‌های جایگزین مبتنی بر واقعیت، و همکاری با پلتفرم‌های رسانه‌ای برای محدود کردن انتشار اخبار جعلی تمرکز دارد. هدف این اصل، جلوگیری از فریب افکار عمومی و حفظ بستر اعتماد است.

## ۵.۷. تمرکز بر ایجاد اجماع ملی حول منافع و تهدیدات مشترک:

بسیج همگانی در مواجهه با چالش‌های ملی، اعتماد و سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند.

### ۵.۷.۱. تعریف و تبیین منافع ملی:

اصل تعریف و تبیین منافع ملی شامل ترویج گفتمان ملی‌گرایی مثبت که بر منافع مشترک و هویت جمعی تأکید دارد، و همچنین برجسته کردن دستاوردهای ملی و ارزش‌های مشترک است. هدف این اصل، ایجاد حس تعلق و همبستگی در میان شهروندان می‌باشد.

### ۵.۷.۲. تبیین تهدیدات مشترک:

اصل تبیین تهدیدات مشترک شامل اطلاع‌رسانی شفاف و مستند در مورد تهدیدات واقعی (مانند چالش‌های زیست محیطی، اقتصادی، یا امنیتی) و نشان دادن ضرورت همکاری همگانی برای

مقابله با آنها است. هدف این اصل، ایجاد درک مشترک از چالش‌ها و بسیج منابع و انرژی جامعه برای غلبه بر آنها می‌باشد.

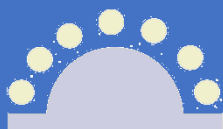
این راهبردها، چارچوبی جامع برای تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در ایران فراهم می‌کنند. اجرای موفقیت‌آمیز آنها نیازمند اراده سیاسی قوی، هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف، و مشارکت فعال شهروندان است.

## نتیجه‌گیری:

گزارش “سرمایه اجتماعی در خط مقدم: اعتماد عمومی و تاب‌آوری نظام حکمرانی ایران در مواجهه با تهدیدات” به طور اساسی بر این فرض استوار است که مقاومت و تاب‌آوری در برابر تهدیدات، بیش از آنکه به توانمندی‌های سخت‌افزاری وابسته باشد، به سرمایه نرم‌افزاری جامعه، یعنی اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی، گره خورده است. در این راستا، اعتماد عمومی به نهادها و مقامات حکومتی، به عنوان بزرگترین و پایدارترین پیش‌شرط، نقشی حیاتی در تضمین تاب‌آوری نظام در برابر انواع شوک‌های درونی و بیرونی ایفا می‌کند.

برای تبیین این مدعا، گزارش به یافته‌های کلیدی متعددی دست یافته است. نخست، مفهوم “خط مقدم” را فراتر از درک سنتی مرزهای جغرافیایی و تهدیدات نظامی تعریف کرده و آن را شامل جبهه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و اطلاعاتی نیز می‌داند. دوم، مسئله اصلی تحقیق را به طور دقیق، چگونگی تأثیر اعتماد عمومی (به عنوان بخش کلیدی سرمایه اجتماعی) بر تاب‌آوری نظام حکمرانی ایران در برابر انواع تهدیدات تعیین می‌کند. در ادامه، اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان عنصری حیاتی برای انسجام اجتماعی، کارآمدی اقتصادی و اداری، و بهبود کیفیت حکمرانی و ارتقاء تاب‌آوری نظام، به‌ویژه در دوران بحران‌ها، مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین، مولفه‌های سرمایه اجتماعی به تفصیل شامل ابعاد شبکه‌ای و ساختاری، هنجارها و تعاملات، و اعتماد و باورهای ذهنی (اعتماد بین‌فردی و اعتماد عمومی) تشریح شده‌اند.

علاوه بر این، این گزارش اهداف جامعی را دنبال می‌کند که از آن جمله می‌توان به شناسایی مؤلفه‌های اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی مرتبط با افزایش تاب‌آوری، تحلیل وضعیت موجود اعتماد عمومی در ایران، بررسی سازوکارهای تأثیرگذاری اعتماد عمومی بر ابعاد تاب‌آوری حکمرانی و در نهایت، ارائه راهکارهای عملیاتی برای تقویت این سرمایه استراتژیک اشاره کرد.



آندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور